

شناسنامه

سیاست‌های ار
برخلاف هدف
تضعیف صادرات
کارت‌های یک
ساختار ازای ق
فقدان، فقری،
و علت را در دست
مسئله اصلی
بی‌ثباتی مقرر
پیش‌بینی نشده

هفته‌نامه‌ی فرهنگی، ورزشی، اجتماعی، هنری با روش خبری-تحلیلی
صاحب امتیاز: سودابه آزادگان
مدیرمسئول و سردبیر: کیانوش رستمی
نشانی: خرم آباد، خیابان علوی، مجتمع هفت آسمان، طبقه‌ی سوم، واحد ۳۰۵
تلفن: ۰۶۶۳۴۰۷۰۰۴-۰۶۶۳۴۰۲۴۶۱ دورنگار: ۰۶۶۳۴۰۲۴۶۱-۰۶۶۳۴۰۲۴۶۱
پایام‌نگار: seymare83@yahoo.com ترانما: www.seymare.com
تلفگرام: @seymareweekly

لیتوگرافی و چاپ: پیام‌سانه همدان، تلفن: ۰۸۱۳۴۵۸۶۷۳۱
توجه: مقالات و یادداشت‌های چاپ شده الزاماً دیدگاه سیمره نیست.

نقد و نگاه

نقد و نقادی گُنشی در جهت احیا(۵)

پراخاصی شیراوند

رَدّ پای ایوبنی در فلسفه‌ی اگزیستانسیالیسم
مارتین هایدگر در اثر سترگ خود هستی و زمان (ترجمه‌ی عبدالکریم رشیدیان، ص۵)، طرح و ضرورت از سرگیری پرسش آشکار از هستی را دنبال می‌نماید. او یادآور می‌شود که «پرسش از هستی» به فراموشی سپرده شده است، هرچند روزگار ما بازگشت به متافیزیک را نوعی پیش‌رفت می‌پندارد. با این حال، انسان مدرن خود را از کوشش برای «بازافروزی نبرد غول‌ها بر سر هستی» معاف دانسته است. پرسشی که هایدگر برمی‌انگیزد، به هیچ‌روی دل‌بخواه نیست؛ زیرا همان پرسش، پژوهش‌های افلاطون و ارسطو را برانگیخته بود، هرچند از همان هنگام نیز از مرتبه‌ی پرسشی بنیادین به سطح موضوعی برای پژوهش صوری و آموزشی فروگاشته شد. آن‌چه آن دو به دست آوردند، در سلسله‌ای از تحریف‌ها و «مشاحله‌گری‌های» بی‌شمار تا منطق هگل امتداد یافت؛ و آن‌چه روزی با ژرف‌ترین تلاش اندیشه از پدیدارها به چنگ آمده بود، دیری است که به چیزی پیش‌پاافتاده تبدیل شده‌است. اما ماجرا تنها این نیست.

بر زمینه‌ی نخستین کوشش‌های یونانیان برای تفسیر هستی، جزمی شکل گرفت که نه‌تنها پرسش درباره‌ی معنای هستی را زایل می‌شمرد، بلکه حتا غفلت از آن را نیز تصویب می‌کند. در آغاز پژوهش، نمی‌توان گزارشی مشروح از پیش‌داوری‌هایی به دست داد که هر دم، غیرضروری‌بودن این پرسش را دامن زده و آن را حمایت می‌کنند؛ این پیش‌داوری‌ها در خودِ انتولوژی باستانی ریشه دارند. این انتولوژی –دست‌کم از حیث زمینه‌ای که مفاهیم بنیادی آن از آن رویبده‌اند و از جهت تناسب و کمال مقولات –تفسیرپذیر نمی‌شود، مگر آن که پرسش از هستی –هم‌چون رشته‌ای راهنما روشن گردد و پاسخی یابد. هایدگر این پیش‌داوری‌ها را در سه محور بازمی‌شناسد:

۱- هستی کلی‌ترین مفهوم است.
۲- مفهوم هستی تعریف‌ناپذیر است.
۳- هستی مفهومی بدیهی و خودپیداست.
در این جا هدف ما بازگویی فلسفه‌ی ایشان با تشریح جزئیاتِ مکتب‌های بعدی نیست؛ بلکه می‌خواهیم ردّ پای نقد و تأثیر دیرینه‌ی این اندیشه‌ها را در مسیر احیای «بودگی» و «شدندگی» بشری دنبال کنیم. در ادامه، با اشاره به یکی از بنیان‌گذاران اصیل اگزیستانسیالیسم، سورن کرکه‌گور (۱۸۵۵–۱۸۱۳)، زمینه‌ی تاریخی و عاطفی این جریان را روشن‌تر می‌سازیم. برپرسور لاوین در کتاب فلسفه برای همه، از سفراء تا سائراتر (ص ۴۰۰) از زبان کرکه‌گور نقل می‌کند: «من انگشت را در هستی فرو می‌کنم – بوی بوچی می‌دهد. من کجا هستم؟ این چیز که آن را جهان می‌خوانند چیست؟ چه کسی مرا به این دام انداخته و اکنون مرا وانهاده است؟ من کی هستم؟ چگونه به جهان آمدم؟ چرا این من مشورت نشد؟»
برای کرکه‌گور، بی‌معنایی هستی فردی، سرچشمه‌ی نویدمی، دلهره، احساس عجز و افسردگی ژرف است. این پرسش اگزیستانسیال از «چگونگی بودن» در جهان، پژوای از همان پرسشی است که هایدگر می‌کوشد فلسفی دوباره برافروزد: پرسش از معنای خود هستی. برای ردیابی تاریخی این سیر، می‌توان به تاریخ فلسفه تألیف فردریک کیپلنتن (جلد اول، ترجمه‌ی سید جلال‌الدین مجتویی) رجوع کرد.

کیپلنتن در ص ۲۳ می‌نویسد: «متفکران ایوبنی در

آگهی

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی شهرستان خرم‌آباد-سری (۸۸۴) جمعی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی خرم آباد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می‌تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید طرف ملت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادرخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادرخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادرخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت

سیاست‌های ارزی و تجاری فعلی، برخلاف هدف اعلامی‌شان، عملا به تضعیف صادرات منجر می‌شوند. حذف کارت‌های یک‌بارمصرف بدون اصلاح ساختار ارزی، فقط معلول را حذف کرده و علت را دست‌نخورده گذاشته است.

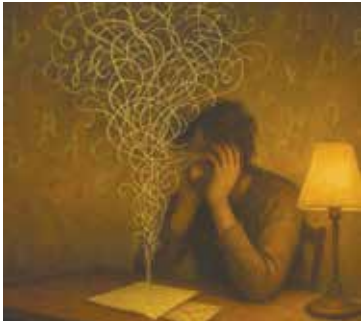
مسئله‌ی اصلی، چندرنخی بودن ارز، بی‌ثباتی مقررات، سخت‌گیری‌های پیش‌بینی‌نشده در رفع تعهد و ناتوانی

صادرات با سیاست فعلی رشد نمی‌کند

دکتر حسین سلاح‌ورزی

صادرکننده در برنامه‌ریزی میان‌مدت است.

تالار دوم، با وجود آثار مثبت محدود، در نبود قواعد پایدار، صرفا نقش مُسکن در اختیار تجار خارجی قرار می‌دهد.



نامه‌ای از طرف یار رسیده است که با خطی ناخوانا نگاشته شده. گویی دو نفر به شکلی بی‌نظم و درهم آن را نوشته‌اند؛ به محض کشودن پاکت نامه، بی‌آن‌که محتوای آن خوانش شود دلهره‌ای در گیرنده‌ی نامه ایجاد می‌شود که می‌گوید ذهنم به ناگهان کور شد و توانایی خواندن را از دست دادم. ذهن معنای خطوط ناخوانا را در نمی‌یابد و چشم هم در پرسی بین خطوط نابینا شده است. یا ملای منشئی نامه، در نگارش سخن یار ناشی و بی‌ مهارت بوده است یا یار دلبرا رازی را در لابلای سطرهای پر از غلط نامه ارائه نموده‌است؛ که این گونه چهار ستون تن و جان گیرنده، فرو می‌ریزند در مواجهه با این که کاغذ ناخوانا!

چه می‌توان کرد برای خوانش نامه‌ای که هیچ رد و نشانی از متن آن به مخاطب ارائه نمی‌شود؟ فقط نامه‌ای در پیش رو است بی‌آن‌که از محتوای آن سخنی به میان آورده شود! آن‌چه ارائه شده، به تعبیر ژاک دریدا (فیلسوف و زبان‌شناس معاصر) یک «دال» فاقد «مذلو» است؛ معنا نهان است یا اصلا کم شده است! این فقدان معنا و مذلول، کنجکاو یی‌بد و حصری در ذهن و جان مخاطب می‌آفریند که حدات انگیزش و جستجو گسیل می‌دارد. چرا ذهن گیرنده‌ی نامه به ناگهان کور و خاموش می‌شود؟ خط ناجور و ناخوانای نامه با او چه می‌کند؟ یا رخ داده است؟ آیا اتفاق ناگواری افتاده است؟! مطابق منطق زیبایی‌شناختی این اشعار که مبتنی بر «گونه‌روایت» است، پاسخی برای هیچ‌کدام از این پرسش‌ها وجود ندارد! شعر

صدای سیمره

عدالت آموزشی و توجه مسئولان کوه‌دشت

متأسفانه شهرستان کوه‌دشت سال‌هاست از بی‌مهری نمایندگان، استانداران لرستان و دیگر مسئولان رنج می‌برد و عملا اقدام مؤثری برای توسعه‌ی این شهرستان صورت نگرفته است؛ در حالی که کوه‌دشت از ظرفیت‌های ارزشمند و بالقوه فراوانی برخوردار است.

انتظار می‌رود دست‌کم رییس دانشگاه پیام‌نور لرستان و استاندار، برای ایجاد تحول علمی در این منطقه گام‌های جدی بردارند. فراهم کردن

فرزند «اسدالله» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» به‌مساحت «۴۹۹،۴۲» مترمربع مزجری شده از پلاک شماره «۷۱» فرعی از «۲۲» اصلی واقع در بخش «۱۰» خروجی از مالکیت مالک اولیه «اسداله دره گرگی»
۵ - تقاضای «آقای شمس الله فریدونی» فرزند «اسدالله» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» به‌مساحت «۳۶۹،۵۹» مترمربع مزجری شده از پلاک شماره «۸۰» فرعی از «۲۲» اصلی واقع در بخش «۱۰» خروجی از مالکیت مالک اولیه «اسداله دره گرگی»
۶- تقاضای «آقای شمس الله فریدونی» فرزند «اسدالله» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» به‌مساحت «۲۵۳،۳۱» مترمربع مزجری شده از پلاک شماره «۸۳» فرعی از «۲۲» اصلی واقع در بخش «۱۰» خروجی از مالکیت مالک اولیه «اسداله دره گرگی»
۷ - تقاضای «آقای شمس الله فریدونی» فرزند «اسدالله» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» به‌مساحت «۱۳۵۵،۷۶» مترمربع مزجری شده از پلاک شماره «۶۳» فرعی از «۲۲» اصلی واقع در بخش «۱۰» خروجی از مالکیت مالک اولیه «اسداله دره گرگی»
۸ تقاضای «آقای شمس الله فریدونی»

از سر تعدد در این موارد سکوت می‌کند و خاموش می‌ماند.

نامه پوسته‌ای فاقد مغز است که مغز گیرنده‌ی آن را سراسر در تصرف خود می‌گیرد؛ محاصره‌اش می‌کند و بر آن غلبه می‌کند.

از نظر ساختار زبانی با دو دال مواجهیم؛ دال اول خود نامه است که دلالت بر انتظار مشتاقانه‌ی شخصی برای دریافت پیغامی یا خبری دارد و دال دوم متن نامه است؛ دال ناخوانایی که تن به خوانش معمول نمی‌دهد! و باید با آن به شکلی دیگر گونه برخورد کرد.

وقتی نگارنده، از پس انتظاری طولانی، خطوطی منشوش و بی‌معنا برایت فرستاده باشد چه حالی به تو دست می‌دهد جز پریشانی و کور ذهنی و گنگ زبانی!

گیرنده‌ی نامه گویی «گنگ خواب دیده» است که پیغامی ناخوانا دریافت کرده است! با گنگ خواب دیده چگونه می‌توان مواجه شد و بحث کرد؟!

از گنگ خواب دیده چه انتظاری می‌توان داشت؟ او که زبان باز گفتن رویدادهای خوبی که دیده است را ندارد. او که نمی‌تواند خواب پیغام دریافت شده را برای ما تعبیر کند.

زبانش در حد همین چند کلمه کار می‌کند که بگوید خط نامه دو جور است و چشم و ذهنم در مواجهه با این خط منشوش‌کور شده است؛ خلاص!

اما واکنش‌هایش ما را به غایت کنجکاو کرده است؛ متن نامه چه است؟ نگارنده چه پیغامی می‌خواسته به او برساند؟! او هم‌چنان تمایل دارد ناخوانایی نامه را خطای نگارشی حاصل از ناشیگری ملای نگارنده‌ی نامه فرض کند؛ این را هم با تأکید برزبان می‌آورد، پیش از این که ذهنش به تمامی از کار افتاده باشد و خاموش شود.

راز این تکاپو و حاصل آن فقط جست‌وجوی بیش‌تر است، تأکید بر نفس خود جست‌جو و‌گرنه نه شاعر نه دریافت‌کننده‌ی نامه چیزی را فاش نمی‌کنند. ما می‌مانیم و غوطه‌وری در ابهام زبان و جاذبه‌ی گیرای شعر؛ شعری به غایت فشرده که شبیه یک قصه‌ی طولانی باید ساعت‌ها در آن غور کرد و خاموشی گزید!

شعر سراسر دال است بی‌مذلول! با چنین شعری چه باید کرد؟!

شما بگویید!

ستون اصلی صادرات ما بنگاه‌های کوچک و متوسطاند و سیاست‌های فعلی آن‌ها را به حاشیه می‌رانند.

نتیجه‌ی محتوم این مسیر روشن است: کاهش تدریجی صادرات، افزایش نقش واسطه‌ها و کوچک‌تر شدن سهم ایران در بازارهای منطقه. راه‌کار واقعی، نه سخت‌گیری بیش‌تر، بلکه ثبات، قاعده‌مندی و اعتمادسازی است.

یادداشت

درفش کاویانی: «داستان بودن تا شدن»

محمدجعفر محمدزاده*



بود. این پوست کپه‌ها که در آغاز چیزی معمولی و کم‌ارزش بود، به نمادی از دادخواهی تبدیل شد. بدان کپه‌ها ناسزاوار پوست پدید آمد آوای دشمن ز دوست (ب ۲۳۴) چرم کپه‌ها به خودی خود نقشی نداشت؛ بلکه هدف آرمانی بود که آن چرم برای آن برافراشته شد. این چرم که در آغاز ارزشی نداشت، به‌مرور و به‌واسطه‌ی هدفی که دنبال می‌کرد، ارزشمندتر و گرانبهاتر شد. تا جایی که به نمادی جاودانه تبدیل شد که هم نام کاوه را زنده کرد و هم ارزش مادی و معنوی‌اش افزون گشت. به‌گونه‌ای که با نام «درفش کاویانی» در تاریخ ایران ارزشمند و ماندگار شد؛ چُن آن پوست بر نیزه بر دید کی به نیکی یکی اختر افکند بُی بیاراست آن را به دیبایی روم ز گوهر بر او پیکر و زَر بوم بزد بر سر خویش چون گرد ماه یکی فال فرخ پُخّی افکند شاه فروهشت آو سرخ و زرد و بنفش همی خوانش کاویانی درفش(الیات ۲۲۸ تا ۲۴۳) چنین شد که چرم بی‌ارزش به نماد «دادخواهی» و مبارزه با بیاداد تبدیل شد و از آن پس تا امروز درفش(پرچم) نشانه زنده بودن و سرفرازی ملت است و اهتزاز و احترام به آن نور امید را در دل‌ها زنده نگه می‌دارد:

ز دیبای پرمایه و پرنیان بر آن گونه گشت اختر کاویان که اندر شب تیره چون شید بود جهان را از دل پرامید بود (ب ۲۴۴ و ۲۴۵)
* بازشر گزارش کارگاه‌های شانمانه‌پژوهی.



رویدادنگاری

رخساره‌پرداز طبیعت

فتح‌اله آسترکی (امید)

می‌گرم. هنوز حرفم تمام نشده بودکه به سرعت به سمت ده به راه افتاد وگفت پس معطل چه هستی؟ پیاریم.»
به اتاق کوچکم درمدرسه رسیدیم. خیلی می‌لرزید. نفث بخاری را تا آخرین پیچ زیاد کردم. مدت خیلی زیادی سروسرورت و اندام خود را روی بخاری خُم کرد و گاهی یک چرخش ملایم می‌کرد. دست‌هایش را به هم می‌مالید؛ بعد موبهایش را به شدت روی بخاری بالا و پایین می‌کرد و قطرات درشت آب بر روی بخاری داغ فرومی‌چکید. صدای چلرز و ولز آب و آتش بلند می‌شد. غرق درسکوت بود. چیزی نمی‌گفت؛ فقط مشغول گرم و خشک کردن خود بود.

من در حالی که داشتم به کمک داشتنی‌هایم محاضری تدارک می‌دیدم؛ در دلم گفتم: «این هم نشد هم‌دم که ما را از تنهایی درآورد!» اولین جمله‌ای که بعد از گرم شدن گفتم: «آره و بی‌درنگ بود که غذا آماده شده؟ گفتم: آره و بی‌درنگ گفت خُب سفره رو بنه‌لزم. خیلی گرسنه بود. لقمه‌های درشت می‌گرفت و تقریباً به نیمه‌های شام رسیده بودیم که گلویش به سخن باز شد. پرسیدم: «خُب دوست عزیز چکاره‌ای؟» گفت: «از شما چه پنهان هیچ کاره.» گفتم: «بهت نِمِیاد که هیچ کاره باشی.» گفت: «مگه اونا که بهشون میاد که هیچ‌کاره باشند اما همه کاره‌اند، طوری شده؟» نیش کلامش را گرفتم و فهمیدم به کدام جهت تیر را رها کرده است. معلوم بود آدم سخن سنجی است. با تمام شدن شام کم کم سرصحبت مدرسه می‌مانم و منزل و مواویی درمدرسه دارم. اتفاقاً من هم تنها هستم و به دنبال یک هم‌دم

سروده‌ای از نصرت‌الله مسعودی

که یادت نرفته است!

بر پلک‌های به هم آمدهام
در ساحل دریایی که چشم هزاران دلفین را
در پرده ی پُر پَرز شن
پنهان کرده است
خوابت گرفته است با رویاهایی
که تعبیرشان
قصه ی هزار و یک شب معبران کم دان ست.
«شبی را دوست ندارم!» که یادت نرفته است
اما
به حرمت این همه دست‌های بسته و بغض‌های
ریخته در کوچه و بازار
و چشم همان دلفین‌ها
و باران چشم‌هایت
در دایون هیچ عاشقی
گیسویت در بند واژه نمانده است.
خوابت که بر من نازل می‌شود
نازک‌تر از هستی آب‌ها

صادرات با سیاست فعلی رشد نمی کند

دکتر حسین سلاح‌ورزی



صفحه‌ی ۴

دوشنبه ۱۷ آذر ۱۴۰۴ ■ ۱۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷ ■ ۲۳ دسامبر ۲۰۲۵ ■ گستره‌ی توزیع: منطقه‌ای (غرب ایران)

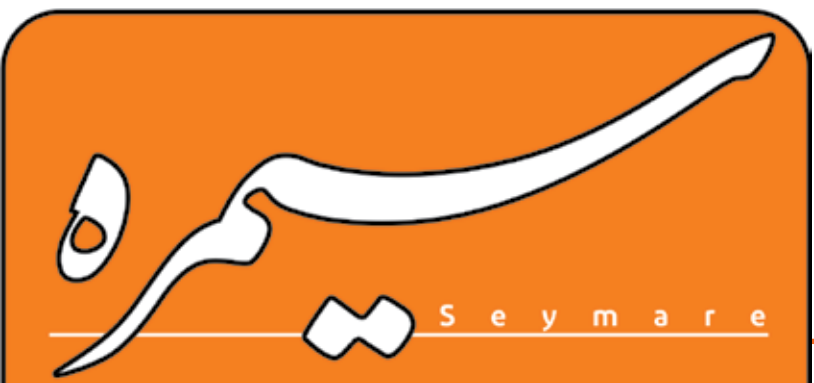
درفش کاویانی: «داستان بودن تا شدن»

دکتر محمد جعفر محمدزاده



صفحه‌ی ۴

سال بیست‌ودوم ■ شماره‌ی ۸۰۳ ■ ۴ صفحه ■ تکیه‌شماره ۱۰۰۰۰ تومان



نمایندگان راضی، دولت شکرگزار

دوئلِ سپه‌وند و شاه‌رخِی در راند دوم!

۲



تیتروها

میراثِ من، زاگرس



محسن تیزهوش

۲

شرافت سیاسی یک نماینده‌ی لر



حمزه فیضی‌پور

۳

رازهای سرزمین مادری
(دال بی‌مدلول)



دکتر حسین اکبری‌نسب

۴

دکتر مسعودی؛
صدای اول «مواجهه»
با «دریاچه ارومیه»



۴

تو چراغِ خود برآفرورز



سلمان احمدوند

۳

هر هفته یک افتتاحیه تا پایان
سال / وعده‌ی شهردار خرم‌آباد
برای تحول شهری



۳



آگهی فرخوان مناقصه عمومی



نوبت (سوم)

شهرداری کوه‌دشت در نظر دارد براساس بخش‌نامه‌های ابلاغی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور و مصوبه‌ی شورای اسلامی شهر فعالیت‌های خدماتی قابل واگذاری (امورات خدماتی، فضای سبز و ...) به شرکت‌های ذی‌صلاح، در سال ۱۴۰۴ از طریق مناقصه‌ی عمومی به صورت حجم کار به پیمانکاران واجد شرایط از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir واگذار نماید.

لذا لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

شرایط:

- مدت انجام کار: یک سال از تاریخ عقد قرارداد
- محل تحویل و اخذ اسناد: سامانه‌ی ستاد
- مهلت تهیه اسناد: از تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۶ ساعت : ۱۱/۰۰ تا ۱۴۰۴/۰۹/۱۸ صبح در ساعت: ۱۲/۰۰ روز سه‌شنبه
- تحویل و ثبت پیشنهاد: ساعت: ۱۲/۰۰ روز: شنبه مورخه ۱۴۰۴/۰۹/۲۹
- تاریخ بازگشایی: روز یک‌شنبه مورخه ۱۴۰۴/۰۹/۳۰ ساعت ۱۰/۰۰ صبح در محل دفتر شهردار
- مبلغ برآورد تقریبی برای یک سال فعالیت‌های خدمات شهری: ۲۹۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و امورات خدماتی ۲۷۳/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
- شرکت کنندگان می‌بایست ۵ درصد مبلغ اعتبار را به‌صورت ضمانت‌نامه‌ی بانکی یا سپرده‌ی نقدی واریز به حساب شماره ۰۱۰۷۱۴۸۰۷۸۰۰۲ شهرداری نزد بانک ملی شعبه پارک شهر که قبل از تحویل در سامانه امور مالی شهرداری ثبت گردیده، به همراه اسناد تحویل دبیرخانه شهرداری داده و رسید دریافت نمایند.
- شرکت کنندگان می‌بایست اساسنامه و اسناد ثبت شرکت و گواهی آخرین آگهی تغییرات روزنامه رسمی، گواهی‌نامه تشخیص صلاحیت پیمانکاری در رشته امور خدماتی خدمات شهری، گواهی ایمتی کار، گواهی‌نامه ثبت نام مودیان مالیاتی، گواهی‌نامه ثبت نام در نظام و مالیات و ارزش افزوده معتبر را به همراه پیشنهاد خود را بر اساس زمان بندی فوق در سامانه‌ی تدارکات الکترونیک دولت بارگذاری نمایند.
- براساس ماده‌ی ۸ آیین‌نامه‌ی مالی شهرداری‌ها مبلغ سپرده شرکت در مناقصه برنده اول، دوم و سوم تا انعقاد قرارداد یا برنده اول، مسترد نخواهد شد.
- شرکت‌های دارای گرید ۲ می‌توانند در این مناقصه شرکت نمایند در غیر این‌صورت شهرداری در رد پیشنهاد مختار است.
- هزینه درج آگهی به عهده‌ی برنده یا برندگان مناقصه است.
- شهرداری در رد یا قبول هر یک از پیشنهادها مجاز و تام‌الاختیار است.
- کلیه امورات مربوط به بخش خدمات (امور خدماتی) به‌عهده‌ی پیمانکار است.

سجاد طرهانی - شهردار کوه‌دشت

بازخوانیِ بود و باش اصیل در آثار مولانا(۲)

دکتر فرزاد حاتم‌زاده



قرآن بزرگ‌ترین باختن‌ها را باختن خود مرغی می‌کند و در آیه‌ی ۲۰ سوره‌ی انعام می‌فرمود: «الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ لَیْسَ لَهُمْ شُوبُهُمْ» «به اعتبار خود زندگی می‌کند و وجود دارد و بنابراین، نخست برای خود و در خود وجود دارد... ذهن دیگران محل فلاکت باری برای یافتن نیک‌بختی حقیقی است. شاید در آنجا فقط بتوان سعادت موهومی را یافت... موجودی که ارزشمندی از بی‌ارزش بودن آن وابسته به نظر دیگران باشد چه موجود اسف باری است» (۱۱)

مولانا هم می‌گوید انسان باید مورد تحسین خود باشد و پیش خود خوش باشد و تاسف‌بار وقتی است که درنظر دیگران خوش است و پیش خود ناخوش است:

تو مرا پر درد گوی محتشم

پیش تو پر درد و پیش خود خوشم

وای اگر بر عکس بودی این مطار

پیش تو گلزار و پیش خویش زار (مثنوی، دفتر ششم، ابیات: ۴۳۳-۴۳۴)

مولانا باز امر تاسف‌بار را این می‌داند که انسان پیش خود ارج و منزلتی نداشته باشد و به نظر افراد عامی دل خوش باشد.

گفت با درویش روزی یک خسی

که ترا این‌جا نمی‌داند کسی

گفت او گر می‌دانده عامیم

خویش را من نیک می‌دانم کیم

وای اگر بر عکس بودی درد و ریش

او بدی بینای من من کور خویش (مثنوی، دفتر ششم، ابیات: ۴۳۳-۴۳۴)

انسان اصیل خود را ارزان نمی‌فروشد و مولانا چنین انسانی را این‌طور تحسین می‌کند:

من غلام آنک نفروشد وجود

جز ببلان سلطان با افضال جود (دفتر پنجم، بیت: ۴۹۰)

من غلام آن مس همت‌پرست

کو به غیر کیمیا نارد شکست (دفتر پنجم، بیت: ۴۹۲)

انسان اصیل، درون را به بیرون نمی‌یازد. شوبنهاور در کتاب در باب حکمت زندگی، پندی را از هوراس (۱۲) در ایپستل به میسناس نقل می‌کند که بسیار پر ارج و ارزشمند است و جالب توجه این‌که مضمون این پندگران‌سنگ در قرآن، انجیل، نهج البلاغه و نزد مولانا هم دیده می‌شود. آن پند این است که: «حماقت بزرگی است که آدمی به منظور برنده شدن در بیرون در درون ببازد»

ادامه دارد...

آموخته‌ها و اندیشه‌های ضد و نقیض، ناهمگن و نادرست تباه کردن اندیشه راستین است و چون جنگ داخلی است که موجب فروپاشی کشور می‌شود و این همان چیزی است که هایدگر تحت عنوان سردرگمی و گیجی و سر گشتگی - که یکی از مؤلفه‌های زندگی عاریتی است - از آن یاد می‌کند. مولانا می‌گوید:

عقل تو قسمت شده بر صد مهم

هر هزاران آرزو و طم و رم (مثنوی، دفتر چهارم، بیت: ۳۲۸۷)

جمع باید کرد اجزا را به عشق

تا شوی خوش چون سمرقند و دمشق (مثنوی، دفتر چهارم، بیت: ۳۲۸۸)

تا تو نامم با تو گفتن آنچه هست (مثنوی، دفتر چهارم، بیت: ۳۲۹۲).

اصالت مصلای اثم معنویت است. انسان‌های اصیل و فرهیخته نیازهای اصیل هم دارند. در ادبیات شوبنهاوری انسان اصیل، به جای «آن‌چه دارم» و «آن‌چه می‌مایم» بر «آن‌چه هستم» (فردیت‌مان) تأکید دارد. آن‌ها به قول شوبنهاور فیلیستر (۱۰) (انسان‌های بدون نیاز ذهنی و درونی) نیستند که غنای روح و لذت درونی را رها کرده و به جدیت به اموری مشغول شوند که در اصل، واقعی نیستند. مولانا امور ظاهری را مثل کف روی آب می‌داند که رفتنی‌اند.

کف دیاست صورت‌های عالم / ز کف بگذر اگر اهل صفایی (دیوان شمس، غزل ۲۷۰۷)

او در وصف انبیا، این سلسله جنبانان اصالت و صاحبان نیازهای اصیل می‌گوید:

آن‌که خو کردست با شانی می

این خوشی را کی پسندد خواجه کی

انبیا زان زین خوشی بیرون شدند

که سرشته در خوشی حق بندند

زاتک جانشان آن خوشی را دیده بود

این خوشی‌ها پیششان باری نمود

با پت زنده کسی چون گشت یار

مرده را چون در کشد اندر کنار (مثنوی، دفتر چهارم، ابیات: ۳۵۹۱-۳۵۸۸).

و در دفتر ششم هم دراهمیت نیازها و لذات اصیل درونی می‌گوید:

راه لذت از درون دان نه از بیرون

ایلهی دل جستن قصر و حصون (مثنوی، دفتر ششم، بیت: ۳۴۲۹)

انسان اصیل برخلاف کسی که زندگی عاریتی دارد، خود خود را تحسین می‌کند و خود برای

دولت درصد ۳ نرخ‌ی کردن بنزین است. ۱۵۰۰، ۳۰۰۰ تومانی سابق باقی می‌ماند و نرخ ۵ هزار تومانی جایگاه‌ها برای خودروهای نو شماره و افراد با بیش از یک پلاک، به آن اضافه می‌شود. اما پرسش مهمی که مطرح این است که آیا افزایش چند هزار تومانی قیمت بنزین می‌تواند مشکلات ساختاری انرژی را حل کند؟

برای پاسخ به پرسش فوق باید موارد زیر را مدنظر قرار داد:

۱- تثبیت نرخ بنزین و سایر حامل‌های انرژی طی سالیان گذشته یکی از اشتباهات آشکار حوزه‌ی مدیریت انرژی در ایران بوده است. چراکه این تثبیت نرخ مصنوعی، تبعات سنگینی برای اقتصاد و امنیت عمومی به همراه داشته است. اولاً موجب مصرف بی‌رویه و افزایش تقاضا، فشار سنگین بر بودجه‌ی دولت، خلق نقدینگی بدون پشتوانه جهت تأمین یارانه پنهان، افزایش قاچاق، آلودگی بیش‌تر هوا، افزایش هزینه‌های بهداشت و درمان، افزایش میزان مرگ و میر و در مجموع کاهش کیفیت رفاه عمومی بویژه در کلان‌شهرها شده است.

۲- آخرین باری که نرخ بنزین تغییر کرده است مربوط به سال ۱۳۹۸ است. یعنی ۶ سال پیش. در طول این ۶ سال به‌خاطر تورم سنگین ناشی از تحریم‌های ظالمانه و هم‌چنین برخی سیاست‌های اقتصادی؛ نرخ هر گرم طلا از حدود ۴۴۴ هزار تومان به ۱۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان رسیده است. یا مثلاً نرخ هر عدد نان لواش یک کالای ضروری است و توسط دولت تعیین می‌شود؛ از ۱۶۰ تومان به ۹۶۰ تومان رسیده است. سوال: چرا در طول این ۶ سال نرخ بنزین ثابت مانده است؟ پاسخ: احتمالاً به‌خاطر ترس از تبعات امنیتی. زیرا در آبان‌ماه سال ۱۳۹۸ بعد از افزایش قیمت بنزین، اعتراضاتی رخ داد و جامعه با ناآرامی‌هایی مواجه شد. بنابراین سیاست‌گذار با درک این اهمیت که «هزینه افزایش قیمت بنزین به سقف چسبیده و تبعات امنیتی در پی خواهد داشت، از این موضوع صرف نظر کرد».

۳- طی سالیان گذشته قیمت پایین و غیر واقعی بنزین، موجب افزایش مصرف بنزین فراتر از توان تولید داخلی شده است. به اندازه‌ای که الان دولت بنزین لیتری حدود ۶۰ هزار تومان وارد می‌کند! مشخص نیست که دولت‌مدان از این تثبیت مصنوعی قیمت ۳ ساله، چه در سر داشته‌اند؟ چرا برای مدت زیادی قیمت را مصنوعی کنترل می‌کند و در مواقع حساس این چنینی که توانایی کنترل را از دست می‌دهد، به فکر آزاد کردن فنر قیمت بنزین می‌افتد و به جامعه شوک وارد می‌کند؟ چرا در طول این ۶ سال، قیمت بنزین نیز مانند سایر کالاها و نهاده‌ها به صورت آرام و پلکانی تغییر نکرده است تا از تغییر ناگهانی آن و بروز شوک در جامعه، جلوگیری به عمل آید؟ این‌ها پرسش‌هایی هستند که باید دولت‌مدان و سیاست‌گذاران عرصه انرژی ایران پاسخ دهند.

۴- از طرف دیگر قیمت بنزین آزاد ۵ هزار تومانی با وجود فشار تورمی برای اقتصاد و خانوارهای ضعیف که در حال حاضر مطرح می‌شود؛ به اندازه‌ای بالا نیست که بتواند قاچاق سوخت را کاهش دهد. شواهد نشان می‌دهد بنزین برای قاچاق در داخل کشور ۱۵ هزار تومان خریداری می‌شود و در مرز حدود ۲۵ هزار تومان به فروش می‌رسد و آن سوی مرز نیز با قیمت ۵۰ هزار تومان معامله می‌گردد. بر این اساس افزایش نرخ بنزین آزاد به ۵ هزار تومان تأثیر چندانی بر قاچاق سوخت نخواهد داشت.

۵- نکته دیگر این‌که افزایش قیمت بنزین آزاد به ۵ هزار تومان تأثیر چندانی بر درآمدهای دولت نیز نخواهد داشت. با استناد به فرمایش برخی کارشناسان و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی؛ درآمد حاصل از افزایش بنزین آزاد به ۵ هزار تومان، حداکثر حدود ۳۰۰ همت است که رقم ناچیزی است. یعنی مجدد مشکل کسری بودجه و خلق نقدینگی نیز با این افزایش قیمت حل نمی‌شود. **ادامه دارد...**

خبر

روابط عمومی اتاق بازرگانی لرستان رتبه‌ی برتر شد

روابط عمومی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی لرستان در نخستین جشنواره‌ی برترین‌های روابط عمومی تجاری کشور، موفق به کسب رتبه سوم شد.

در آیین پایانی نخستین جشنواره‌ی برترین‌های روابط عمومی تجاری که به میزبانی اتاق بازرگانی زنجان برگزار شد، امین آزادبخت، مدیر روابط عمومی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی لرستان موفق به کسب رتبه‌ی سوم این جشنواره‌ی ملی شد.

آیین پایانی این رویداد با حضور نرگس مرادخانی معاون اقتصادی استاندار زنجان، محمدرضا نوروزپور معاون امور رسانه‌ای و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نایب‌رئیس و اعضای هیئت‌رئیسه اتاق بازرگانی ایران و هم‌چنین روسای اتاق‌های بازرگانی برگزار شد. بر اساس ارزیابی‌های صورت‌گرفته توسط هیئت داوران، روابط عمومی اتاق بازرگانی لرستان به دلیل انسجام در اطلاع‌رسانی، تولید محتوای هدفمند، تعامل فعال با رسانه‌ها و اجرای برنامه‌های ارتباطی مؤثر شایسته دریافت رتبه سوم این جشنواره معرفی شد.

این موفقیت، نشانه‌ای از ارتقای جایگاه روابط عمومی اتاق بازرگانی لرستان در سطح ملی و گامی مؤثر در جهت تقویت ارتباط با فعالان اقتصادی و افکار عمومی به شمار می‌رود.

متن کامل این خبر در تارنمای آوای سیمره
avayeseymare.ir

یادداشت



میراثِ من، زاگرس

محسن تیر هوش

باد میان صخره‌ها می‌چرخد و صдахایی با خود می‌آورد که نه می‌توان شنید و نه نادیده گرفت. هر ترک در دیواره، هر پاره‌سنگ، حضور لحظه‌ای را بازتاب می‌دهد که هم رفته است و هم مانده؛ لحظه‌ای که نه می‌توان آن را درک کرد و نه از کنار آن گذشت. نور از شکاف‌های گذرد و بر دیواره‌ها می‌رقصد، طرح‌هایی که معنا و شکل ثابت ندارند، بلکه با نگاه ما همواره دگرگون می‌شوند. در این حرکت سلیابه و روشنایی، چیزی جریان دارد که نه می‌توان تملکش کرد و نه نامی بر آن گذاشت. دره‌ها باز و بسته می‌شوند و در میان آن‌ها حرکتی است که به سرحد نشانه یا محدوده‌ای تعلق ندارد. باد، جریان آب و سياه‌ها کوبی پرسشی را با خود دارند که از پیش بوده و ادامه دارد؛ پرسشی که پاسخش نه در سنگ‌هاست و نه در نگاه ما. هر ترک در خاک، هر خراش در سنگ، دعوتی است به سکوت و اندیشه؛ دعوتی به دیدن آن‌چه فراتر از واژه‌ها و تقاسیر است. گاهی حضوری حس می‌شود که هم هست و هم نیست؛ حضوری که تنها می‌توان کنار آن ایستاد و تجربه‌اش کرد.

این‌جا زمان خطی نیست؛ لحظه‌ها با یک‌دیگر می‌لغزند و لایه‌هایی از اکنون و گذشته با هم ترکیب می‌شوند، شکل‌هایی می‌آفرینند که همواره در تغییرند. آن‌چه باقی می‌ماند نه شئی است و نه یادگاری، بلکه بازتابی از تجربه‌ای است که نسل‌ها را پیوند داده، بی‌آن‌که پاسخ قطعی داشته باشد. جریان باد، نور و آب، حضورهایی را یادآور می‌شوند که نه آغاز دارند و نه پایان؛ گاه حس می‌شوند و گاه محو، اما همیشه پرسشی از بودن را زنده نگاه می‌دارند.

رد پاهایی که بر خاک مانده‌اند، شاید نشانه‌ی سکوتی باشند که خانه‌ی نامیده می‌شود؛ خانه‌ای که نه در دیوار و سقف خلاصه می‌شود و نه در محدوده‌ای مشخص، بلکه در بودن، حضور، پرسش و سکوت شکل می‌گیرد. هر سنگ، هر ترک، هر سياه یادآور می‌شود که انسان بخشی از چیزی بزرگ‌تر است؛ چیزی که نامش را نمی‌توان گذاشت، اما حضورش حس می‌شود.

و حال، در دل این سکوت و جریان‌های بی‌پایان، چیزی هست که نه آغاز دارد و نه پایان، چیزی که تمامی کرانه‌ها و زمان‌ها را در خود حل می‌کند و گویی تمام لحظه‌های گذشته، حال و آینده را یک‌جا در یک دورنمای نامرئی گرد می‌آورد؛ چیزی که در همان حال که هست، نیست و در همان حال که تجربه می‌شود، فراتر از تجربه است و در برخورد با هر نگاه، هر شنونده و هر گامی که در خاک زده می‌شود، معنای تازه‌ای می‌یابد، بی‌آن‌که هیچ‌گاه بتوان آن را به طور کامل به واژه‌ها درآورد یا در دیوار و سقف محدود کرد؛ چیزی که خود بودن و تجربه را به مثابه جریان بی‌پایان پرسش و پاسخ، سکوت و حرکت بازنمایی می‌کند و خواننده را در مواجهه‌ای دائم با خود و با زمین، با زمان و با حضور فرا می‌خواند.

هر بار که نور از شکاف‌ها عبور می‌کند و سياهی تازه می‌آفریند، حضورهای گذشته را بازتاب می‌دهد؛ نه به شکل خاطره‌ای روشن، بلکه در حالتی که تنها تجربه می‌شود. باد، آب و سنگ ما را به سنجش فاصله‌ها، به پرسش درباره بودن و نبودن، به ژرفاندیشی درباره‌ی حضور خود در جریان‌های جاری فرا می‌خوانند.

آن‌چه بر دیواره نقش بسته، شاید بیش از شکل و رنگ، بازتاب جست‌وجوی انسانی باشد که نه آغازش روشن است و نه پایانش. و میان همه این جریان‌ها، رد پاهایی که خاک را می‌شکافند یادآور می‌شوند که نگاه، حضور و حرکت انسان بخشی از چیزی است که خانه را می‌سازد؛ خانه‌ای نه در دیوار، بلکه در سکوت، در پرسش‌های ناتمام و در جریان لحظه‌ها. چیزی که نمی‌توان نام برد، اما هر کرسی در آن مواجهه، حضورش را حس می‌کند و خود را بخشی از آن می‌داند.

خبر

دکتر مسعودی؛ صدای اول «مواجهه» با «دریاچه ارومیه» در پی انتشار فراخوان شعر «مواجهه» از سوی گروه «برگه‌شوندان»، با هدف کشش گری فرهنگی، ایجاد فضای غیرسفارشی و فراهم آوردن بستری آزاد برای بازآفرینی ادبی با محوریت «دریاچه ارومیه»، اسامی برگزیدگان این فراخوان اعلام شد.
در این رویداد ادبی که با استقبال چشم‌گیر شاعران از سراسر کشور همراه بود، دکتر نصرت‌الله مسعودی – شاعر نام‌آشنا و اثرگذار لرستانی- به‌عنوان نفر نخست برگزیده شد.
هم‌چنین فرخنده بهرامی، دیگر شاعر توانمند لرستانی، رتبه‌ی دوم را از آن خود کرد.
پس از ایشان، آرزو رنجبر و تقی جهان‌بخشی به‌ترتیب به‌عنوان دیگر برگزیدگان معرفی شدند.
هیئت داوران این فراخوان را مینو نصرت، جلیل قیصری و سولماز نصرا‌بادی تشکیل می‌دادند و روند دآوری در دهم آذرماه ۱۴۰۴ پایان یافت.

عباس دارایی/ روزنامه‌نگار:

رضا سپهوند نماینده مردم خرم‌آباد و چگنی در مجلس، شامگاه جمعه (هفتم آذرماه)، در نشست خبری با رسانه‌ها با تأکید بر این‌که آمارهای غیرواقعی ارائه شده از استان به مرکز، تصمیم‌سازی کلان را مختل می‌کند، گفته است: «متأسفانه ما با مشکلی به نام پردازش آمار بر اساس چیزی که مدیران ارشد این استان می‌خواهند که آن را ارائه دهند، نه واقعیتی که در جامعه وجود دارد، مواجه‌ایم. آمارسازی بلای جان توسعه در لرستان شده که نتیجه‌اش را داریم می‌بینیم؛ آمار رسمی ۷۳ درصدی بی‌کاری لرستان را قبول ندارم، این آمارها نباید در مورد وضعیت استان ارائه شود».
اظهارات سپهوند که بازتاب زیادی در فضای عمومی داشته است، حالا به‌طور مشخص سید سعید شاهرخی استاندارِ دولت چهاردهم را هدف قرار داده این دومین نشست خبری پیاپی سپهوند طی دو ماه اخیر است، نماینده مردم خرم‌آباد در مجلس در نشست مهرماه خود با جمعی از رسانه‌های استان مدعی شده بود که:«استاندار در یک سال گذشته به اهداف برنامه‌ای خود نرسیده‌است، من همان اول به آقای استاندار در جلسه مجمع نمایندگان گفتم که این چیزهایی که شما این‌جا نوشته‌اید، قبلاً فقط در کامپیوتر بوده‌اند و الآن به کتابچه تبدیل شده است، همان اول ما گفتم‌یم این بودجه‌هایی که در نظر گرفته‌اید امکان تأمین ندارد.»

او هم‌چنین در آن نشست با اشاره به دخالت در انتصابات توسط برخی نمایندگان، گفته بود:« ما با مدیر شایسته مشکلی نداریم، اما نباید یک نگره‌بان را رئیس یک سازمان بگذارند، ما اصلاً گزینه پیشنهاد نمی‌دهیم، اما مگر شما نگفتید ما مدیران و معاون‌هایی می‌گذاریم در تراز استاندار، آن مدیران در تراز استاندار کجا هستند؟»
استانداری لرستان هر چند در بیانیه‌ای کوتاه به اظهارات سپهوند به ویژه در آن بخش که او مدعی شده بود، شاهرخی در دیدار مشترک استاندار و مجمع نمایندگان با رئیس جمهور گفت: است:«لرستان نیاز به بودجه‌ی دولتی ندارد و خودمان مشکلمان را از طریق سرمایه‌گذار بخش خصوصی و مولدسازی حل می‌کنیم». واکنش داده و اظهارات سپهوند را بی‌اساس، کذب محض و فاقد هرگونه صحت توصیف کرد اما یک ماه پس از اظهارات تند نماینده‌ی خرم آباد در مجلس، شاهرخی استاندار لرستان در بازدیدهم آبان ماه و در مجمع مشورتی خرم‌آباد فرصت را غنیمت شمرد تا به اظهارات نماینده‌ی خرم‌آباد در مجلس واکنش نشان دهد.

او با با بیان این‌که خط قرمز من، مردم هستند، گفته بود:«اگر کسی بیاید و بگوید خط قرمزش به‌دنبال سهم‌خواهی بوده و صرفاً به‌واسطه‌ی

خبر

رئیس سازمان جهاد کشاورزی لرستان، تأکید کرد:« احداث و توسعه گل‌خانه‌ها از اولویت‌های سند راهبردی و عملیاتی لرستان است.»
نامدار صیادی در شورای هماهنگی معاونین و مدیران سازمان جهاد کشاورزی لرستان با اشاره به فضای پیچیده کنونی بخش کشاورزی، اظهار داشت:« تمامی نیروها با بسیج ظرفیت‌ها و احترام به تفاوت‌ها، برای تحقق امنیت غذایی و خدمت به مردم متحد شوند.»

وی با قدردانی از خدمات مدیران پیشین، فلسفه انتصابات جدید را تشکیل تیمی هم‌دل و توانمند بر اساس شاخص‌های تخصصی و نه روابط شخصی عنوان کرد.

رئیس سازمان جهاد کشاورزی لرستان، تأکید کرد:« انتخاب‌ها بر اساس شناخت و برای ایجاد هم‌افزایی صورت‌گرفته و ازاین‌پس، تلاوم همکاری

خبر

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی شهرستان الیگودرز-سری (۱۶۰) جمعی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی الیگودرز مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت به نام متقاضیان اعتراض داشته باشد می‌تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتبا به اداره‌ی ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع محترم قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره‌ی ثبت محل تحویل نماید. در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا ممتزض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند، اداره‌ی ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه

نمایندگان راضی، دولت شکرگزار

دوئلِ سپهوند و شاهرخی در راند دوم!



پسر دایی‌اش است، این یک فاجعه برای لرستان است، من به چنین درخواست‌هایی تن نمی‌دهم، حتا اگر به قیمت رفتنم در پست استاندار تمام شود، برای خدمت به مردم آمدم، نه برای تأمین منافع شخصی یا گروهی، اگر کسی در جهت خلاف مردم حرکت کند، به شدت مقابل او خواهم ایستاد»

در آن مقطع هرچند استاندار صراحتاً از فردی نام نبرد، اما تلقی افکار عمومی این بود که مقصود شاهرخی از فردی که گفته خط قرمزش پسر دایی‌اش است، دکتر رضا سپهوند نماینده‌ی خرم‌آباد و چگنی در مجلس بوده‌است. اشاره‌ی استاندار به موضوع انتصاب عظیم رحمان سالاری از نیروهای نزدیک به سپهوند نماینده‌ی خرم‌آباد در مجلس شورای اسلامی بود که سپهوند پیش‌تر در نشست با برخی از ستادهای پزشکیان و اعضای شورای اصلاح‌طلبان مدعی شده بود، بعد از منتفی شمن حضور رحمان سالاری در اداره‌کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی لرستان و برخی مانع‌تراشی‌ها در مسیر انتصاب او، شخص استاندار به دنبال انتصاب وی در سازمان صمت استان بوده و شخصاً برای انتصاب او پیش‌قدم شده و شش نماینده‌ی استان نیز برای انتصاب او امضا کرده بودند!

نکته‌ی مهم اما این بود که استاندار به جای پاسخ‌گویی به اظهارات سپهوند در نشست خبری با رسانه‌ها، صرفاً سعی کرد موضوع سهم‌خواهی نماینده خرم‌آباد و چگنی را در مجلس پیش کشیده و بدین شکل، از زیر فشار خارج شده و اذهان را به این سمت سوق داد که سپهوند به‌دنبال سهم‌خواهی بوده و صرفاً به‌واسطه‌ی

رئیس سازمان جهاد کشاورزی:

احداث و توسعه گل‌خانه‌ها از اولویت‌های سند راهبردی لرستان است

انتباط اداری و احترام به سلسله‌مراتب، سنگ بنا و پیش‌نیاز خدمت مؤثر به مردم است.»
وی مهم‌ترین چالش پیش‌رو را بحران نهاده‌های دامی و نوسانات بازار عنوان کرد و افزود:« مشکل نهاده‌های دامی مربوط به استان ما نیست؛ بلکه ابداً معی دارد.»

رئیس سازمان جهاد کشاورزی لرستان، افزود:« تغییرات اقلیمی، پیچیدگی ذاتی بخش کشاورزی و ابهامات بین‌المللی، بر دشواری‌های موجود بخش کشاورزی می‌افزاید.»

صیادی راه‌حل برون‌رفت از این چالش‌ها را حرکت منسجم‌بر اساس نقشه‌راه عنوان کرد و گفت:«

متضرر به دادگاه نیست.

تاریخ انتشار نوبت اول: (۱۴۰۴/۰۹/۰۲)
نوبت دوم: (۱۴۰۴/۰۹/۱۷)

۱- تقاضای «وحید گودرزی» فرزند «ابراهیم» نسبت به شش‌دانگ «باغ به‌مساحت ۱۴۰۵۹۹ متر مربع مجزی شده از پلاک شماره۲۵۱۱» فرعی از:«۷۶» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «فاطمه دهقانی»
۲- تقاضای «احسان سلیمانی» فرزند «مهرحسین» نسبت به «شش‌دانگ باغ» به‌مساحت (۸۶۷۹) متر مربع مجزی شده از پلاک شماره «۸» فرعی از:«۵۶» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «معمومه اسدی»
۳- تقاضای «محمدنبی حاجی‌زاده» فرزند «فضل‌اله» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی آبیزار» به‌مساحت(۹۷۹۸۰۶۲ متر مربع مجزی شده از پلاک شماره «۸» فرعی از «۷۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه سهم‌الارث مرحوم فضل‌اله حاجی‌زاده»
۴ - تقاضای «نصرت‌اله حاجی‌زاده» فرزند «فضل‌اله» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی آبیزار» به‌مساحت(۱۵۷۹۰۲۵) متر مربع مجزی شده از پلاک شماره «۸» فرعی از «۷۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه سهم الراث مرحوم

را تلاش برای توسعه‌ی استان و همراهی دولت در مسیر این توسعه‌ی کاغذی تلقی کند اما باید به افکار عمومی پاسخ داده شود که همان‌گونه که نماینده‌ی خرم‌آباد در مجلس مدعی شده چرا در شاخص‌های رسمی رشد اقتصادی کشور رقم هشت درصد اعلام می‌شود، اما در لرستان عملاً رشد اقتصادی حدود دو درصد است؟ چرا درآمد پیش‌بینی شده از محل مولدسازی محقق نشده‌است؟ چرا در کشت و صنعت خرم‌آباد که پنج صنعت در آن فعال شده‌اند و حدود ۸۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری در حال انجام است، اما هنوز مجوز منطقه‌ی ویژه صادر نشده تا سرمایه‌گذاران بتوانند از معافیت‌های گمرکی استفاده کنند؟ چرا سامانه اشتغال، دریافت‌کنندگان وام‌های حمایتی خرد (مثلاً ۵۰ تا ۱۵۰ میلیون تومانی) یا افرادی که تنها مجوز کسب گرفته‌اند، به‌عنوان شاغل ثبت می‌شوند و آمار بی‌کاری بدین شکل پایین آمده و لرستان نرخ بی‌کاری‌اش پایین‌تر از استان‌های هم‌چون اصفهان، خوزستان، آذربایجان شرقی و .. است؟

نماینده‌ی مردم خرم‌آباد و چگنی در مجلس شورای اسلامی هم‌چنین با اشاره به تأخیر در سفر رئیس‌جمهور به لرستان، گفته : « رئیس‌جمهور به‌نگاه و ارقامی که از استان ارائه می‌شود نگاه می‌کند تا اولویت را مشخص کند، وقتی نرخ بی‌کاری لرستان ۷۳ درصد اعلام می‌شود، اما همین شاخص برای استان‌های هم‌جوار بالای ۱۰ درصد است، طبیعی است که اولویت با آن‌ها باشد.»

در شرایطی که عمده‌ی نمایندگان ناهم‌سو با دولت از عملکرد استاندار صرفاً به‌واسطه‌ی رضایت‌مندی از شراکت در دولت وفاقی راضی هستند و دولت به شکرانه این حمایت سعی در تلاوم رویکرد چراغ سبز به انتظارات مجلسی‌ها در لرستان دارد، شنیده‌ها حاکی از این است که دولت دست‌کم در دو ماه آینده برنامه‌ای برای سفر به لرستان نخواهد داشت، این موضوع به هر دلیلی اعم از آمارسازی و وارونه‌گویی وضعیت استان تا بحرانی نشان داده وضعیت سیاسی لرستان و انعکاس نارضایتی‌های سیاسی و .. بوده باشد، به دلیل آن‌که لرستان از اولویت‌های سفرهای استانی دولت چهاردهم خارج شده و طی ۱۸ ماه گذشته عملاً در کانون توجهات دولتی‌ها نبوده است، از اعتبارات ویژه سفرها نیز بدین شکل بی‌بهره بوده، خاصه این‌که طی روزه‌های آتی دولت لایحه‌ی بودجه سال ۱۴۰۵ را به مجلس تقدیم خواهد کرد تا یک‌بار دیگر هم‌چون دولت پیشین نه تنها از مواهب دولتی بهره نشود، بلکه بیش از پیش سایه‌ی سنگین حوانشی و بحران‌های خودساخته سیاسی این‌گونه این استان را از مدار توجهات و ویژه دیدن، خارج کند.

اجرای سند راهبردی و عملیاتی استان لرستان و پایبندی به برنامه هفتم توسعه، چارچوب اصلی اقدامات سازمان خواهد بود. در این میان، احداث و توسعه گلخانه‌ها به‌عنوان یک اولویت محوری و شاخص کلیدی ارزیابی عملکرد معین شد.»
وی سه اصل بنیادین را برای موفقیت جمعی ضروری عنوان کرد و گفت:« کار تیمی واقعی همراه با پشتیبانی متقابل، هم‌دلی و درک متقابل بین واحدهای ستادی و اجرایی، و اتکای متقابل اعضا به یکدیگر هم‌چون دیواره‌های یک بنا از اصول موفقیت است.»

رئیس سازمان جهاد کشاورزی لرستان، «دلسوزی برای سازمان و مردم» را روح حاکم بر این اصول خواند و از همکاران خواست با گوش سپردن به صدغه‌های مردم، حتا در شرایط دشوار، خدمت‌گزارانی کامل باشند.

فضل‌اله حاجی‌زاده
۸- تقاضای «حشمت‌اله حاجی‌زاده» فرزند «فضل‌اله» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی آبیزار» به‌مساحت «۳۳۵۴۹۹» متر مربع مجزی شده از پلاک شماره «۸» فرعی از ۷۸ اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه سهم‌الراث مرحوم فضل‌اله حاجی‌زاده»
۹- تقاضای «سهراب حاجی‌زاده» فرزند «فضل‌اله» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی آبیزار» به‌مساحت«۱۱۲۷۶۶۴»متر مربع مجزی شده از پلاک شماره «۸» فرعی از «۷۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه سهم‌الراث مرحوم فضل‌اله حاجی‌زاده»
۱۰- تقاضای «نصرت‌اله حاجی‌زاده» فرزند «فضل‌اله» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی آبیزار» به‌مساحت(۱۰۷۰۰۰۰) متر مربع مجزی شده از پلاک شماره «۸» فرعی از «۷۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه سهم‌الراث مرحوم فضل‌اله حاجی‌زاده»
۱۱- تقاضای «حشمت‌اله حاجی‌زاده» فرزند «فضل‌اله» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی آبیزار» به‌مساحت(۲۱۷۸۰۶۶» متر مربع مجزی شده از پلاک شماره «۸» فرعی از «۷۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه سهم الراث مرحوم فضل‌اله حاجی‌زاده»
۱۲- تقاضای «محمدنبی حاجی‌زاده» فرزند «فضل‌اله» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی آبیزار» به‌مساحت(۱۵۷۹۰۲۵) متر مربع مجزی شده از پلاک شماره «۸» فرعی از «۷۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه سهم الراث مرحوم

متر مربع مجزی شده از پلاک شماره۲۵۱۱» فرعی از ۷۸ اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «فاطمه دهقانی»
۲- تقاضای «احسان سلیمانی» فرزند «مهرحسین» نسبت به «شش‌دانگ باغ» به‌مساحت (۸۶۷۹) متر مربع مجزی شده از پلاک شماره «۸» فرعی از:«۵۶» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «معمومه اسدی»
۳- تقاضای «محمدنبی حاجی‌زاده» فرزند «فضل‌اله» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی آبیزار» به‌مساحت(۹۷۹۸۰۶۲ متر مربع مجزی شده از پلاک شماره «۸» فرعی از «۷۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه سهم‌الراث مرحوم فضل‌اله حاجی‌زاده»
۴ - تقاضای «نصرت‌اله حاجی‌زاده» فرزند «فضل‌اله» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی آبیزار» به‌مساحت(۱۵۷۹۰۲۵) متر مربع مجزی شده از پلاک شماره «۸» فرعی از «۷۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه سهم الراث مرحوم

متضرر به دادگاه نیست.

تاریخ انتشار نوبت اول: (۱۴۰۴/۰۹/۰۲)
نوبت دوم: (۱۴۰۴/۰۹/۱۷)

۱- تقاضای «وحید گودرزی» فرزند «ابراهیم» نسبت به شش‌دانگ «باغ به‌مساحت ۱۴۰۵۹۹ متر مربع مجزی شده از پلاک شماره۲۵۱۱» فرعی از:«۷۶» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «فاطمه دهقانی»
۲- تقاضای «احسان سلیمانی» فرزند «مهرحسین» نسبت به «شش‌دانگ باغ» به‌مساحت (۸۶۷۹) متر مربع مجزی شده از پلاک شماره «۸» فرعی از:«۵۶» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «معمومه اسدی»
۳- تقاضای «محمدنبی حاجی‌زاده» فرزند «فضل‌اله» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی آبیزار» به‌مساحت(۹۷۹۸۰۶۲ متر مربع مجزی شده از پلاک شماره «۸» فرعی از «۷۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه سهم‌الراث مرحوم فضل‌اله حاجی‌زاده»
۴ - تقاضای «نصرت‌اله حاجی‌زاده» فرزند «فضل‌اله» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی آبیزار» به‌مساحت(۱۵۷۹۰۲۵) متر مربع مجزی شده از پلاک شماره «۸» فرعی از «۷۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه سهم الراث مرحوم

یادداشت



علی گودرزیان

فصل سوم/ بخش ۱۲/ انتخابات مجلس هفتم خرم‌آباد(۴)

رضا رحیمی‌نسب نامزد انتخابات مجلس ششم هم بود. حالا هم آمده و دلو می‌طلبد. از مدعیان وکالت مردم خرم‌آباد و بخش‌های تابعه است. اگر میدان از اصلاح‌طلبان بگیرند بشن کون این دور نباشد، دور آینده وکالت مردم روی شاخ اوست.

هنوز دلال‌های انتخاباتی برای او اجماع نکرده‌اند. دلال‌های انتخاباتی با هرکسی ببینند او را از فرش به عرش می‌رسانند. این که این دلال‌ها کی به این نتیجه می‌رسند همه روی حساب و کتاب است. آن‌ها هیچ‌وقت بی‌گزار به آب نمی‌زنند. آن‌ها رد پای کشتگران انتخاباتی و سیاسی را رصد می‌کنند و به محض این که ببینند زمینه‌ی طرح چهره‌ای در نظر بیش‌تر کشتگران انتخاباتی ایجاد شده‌است، آتی وارد میدان می‌شوند و دور و بر نامزد را شلوغ می‌کنند به شکلی که انگار اول و آخر دلیل پیروزی نامزد خوش شانس، آن‌ها بوده‌اند!

به‌نظر می‌رسد دلال‌ها هنوز برای رحیمی‌نسب به این نتیجه نرسیده‌اند! یعنی هنوز اسباب و ابزار صعودش فراهم نشده است. حتم دارم این دوره، کسی با رحیمی نسب بسته است؛ اما دور از ذهن نیست که در آینده

برای ایشان هم اتفاقی بیفتد.
هولاران رضا رحیمی‌نسب او را «جانباز دفاع مقدس» می‌نامند. این روزها جانباز دفاع مقدس یک عنوان دندان‌گیراست.

حلقه‌ی نخست هولاران رحیمی‌نسب وابستگان او و کشتگران انتخاباتی ایل بیرانوند هستند. یکی از نشانه‌هایی که به ما می‌فهماند که هنوز میوه‌های این درخت، کال و نارسیده است، هویت ایلی همین حواریون است. این حلقه و این حصار باید شکسته شود تا نور بیش‌تری بر این درخت بتابد و میوه‌های نارسیده‌اش رسیده شوند!

کورش فولادی مرد دیگر میدان انتخابات مجلس هفتم است. در مجلس پنجم از کورش فولادی گفتم، فولادی در انتخابات مجلس ششم هم به مرحله‌ی دوم انتخابات رسیدن نخستین پیام این موفقیت کارکرد درست او در مجلس پنجم بود.

کورش فولادی در انتخابات مجلس پنجم به‌عنوان چهره‌ای سیاسی به مجلس نرفت؛ اما کنش و رفتار او در مجلس پنجم او را به‌عنوان چهره‌ای سیاستمدار معرفی کرد. در حادثه‌ی کوی دانشگاه نخستین صدى اعتراضی بود که در مجلس پنجم بلند شد کورش در آن زمان از جایگاه یک چهره‌ی ملی با روزنامه‌ی همشهری مصاحبه کرد و در سمت مردم ایران و فرزندان دانشجو ایستاد!

همین رفتارهای شعورمندانه‌ی کورش بود که بخش بزرگی از مردم خرم‌آباد در انتخابات مجلس ششم او را فراموش نکردند و با حدود ۳۰ هزار رای نام او را فریاد زدند تا به دور دوم انتخابات برسد!

حالا در انتخابات مجلس هفتم کورش فولادی هم یکی از شانس‌های میدان است؛ اما روشن نیست که شورای نگهبان چه تصمیمی خواهد گرفت. عبدالرحیم بهاروند هم نماینده‌ی مجلس ششم یکی دیگر از نامزدهای انتخابات مجلس هفتم است. بهاروند بر اثر یک توافق ناتواسته بین بخشی از اصلاح‌طلبان با اصولگرایان به مجلس راه یافت. در دور دوم انتخابات مجلس ششم خرم‌آباد رای اصلاح‌طلبان سه تیکه شد و افزون بر سه تیکه شدن به تک‌رای روی آوردند.

طرف‌داران بهاروند، ایشان را در انتخابات مجلس ششم به‌عنوان یک چهره‌ی علمی مطرح کردند؛ اما شاخص مجلس ششم خود را تا سطح یک کنشگر سیاسی پایین کشید؛ در غائله خرم‌آباد با کمال تاسف و تعجب بهاروند رئیس چماق‌داران شد؛ حالا با این وضعیت شانس رای آوری او بسیار ضعیف است.

در مجلس هفتم سلیمان ترجمان از فرهنگیان خرم‌آباد و از وابستگان نزدیک کریم ملک‌آسا هم نامزد انتخابات مجلس هفتم شد. ترجمان از چپ‌های سنتی و خط امامی‌های قدیم خرم‌آباد و از نیروهایی سرشناس آموزش و پرورش است.

نادر ساکی هم از وابستگان ملک‌آسا و از فرهنگیان لرستان است. ساکی رئیس اداره‌ی بخش چگنی و زاغه را در پرونده کاری خود دارد.

یکی از نامزوترین نامزدهای انتخابات مجلس هفتم محمد رضایی است. دوستان به ایشان «حاج محمد» می‌گویند. حاج محمد رغبتی به نام‌نویسی در انتخابات نداشته است. گویی محمد خاتمی ایشان را مجاب کرده‌است که با این که بیم رضایتی ایشان می‌رود اما نام نویسی کند. خبر نام‌نویسی رضایی در این فضای یس‌آور برای بسیاری از دوستان جنی گرفته نمی‌شود. چون از تیغ هندی آهیکته‌ی شورای نگهبان خبر دارند که به هیچ نام جنی و رای‌آوری رحم نخواهد کرد.

رئیس ستاد محمد رضایی، یکی از خوشنام‌ترین چهره‌های اصلاح‌طلبان خرم‌آباد قاسم ولیزاده است. ولیزاده می‌گویند رضایی افزون بر دوستان و هم‌فکران خود لایه‌ای از جامعه‌ی خرم‌آباد را به پای کار آورده است که تا کنون رای ندادند؛ و شاید نخستین بار است که ساز میدان مشارکت گرفته‌اند.

ادامه دارد...



سال بیست‌ودوم /شماره‌ی ۸۰۳

علمی – اقتصادی

دوشنبه ۱۷ آذر ۱۴۰۴

یادداشت

تو چراغ خود
برافروز



سلمان احمدوند

زمین سیاره‌ی رنج است. رنج نام دیگر زندگی است و نه آیا صاحب هستی در کتاب کریم از آفرینش انسان در رنج سخن گفته است؟ و رنج هم‌چون زخم گاه دستگیر روح نابالغ آدمی است و چشم او را به وجوه دیگر هستی باز می‌کند. گاه زخمی که به پا داشته‌ام زیرپویم‌های زمین را به من آموخته است/ گاه در بستر بیماری من حجم گل چند برابر شده است (سهراب سپهری) صدای پای آب.

باری؛ خبرهای ناخوش زیاد است؛ از آلودگی دم‌افزون هوا تا فرونشست زمین و نشست‌های عیب که از دید من خود عامل اصلی فرونشست است؛ پدیده‌ای هولناک که هم‌چون اژدهایی خاموش خاک ایران‌زمین را می‌بلعد، بی‌اعتنا به ایران خیالی در آواز خوانندگان پاپ وطنی که سرزمین رویایی مردمان سرخوش است. از اخبار پُرشمار اختلاس‌های پروپیمان که در هرجای دنیا از لانه کردن موریانه‌ی فساد در درخت حکمرانی حکایت می‌کند.

راست آن است که وقتی فساد نهادینه شود کارپوه‌های خود را در قالب سازمانی نامرئی صورت‌بندی می‌کنند؛ با خیل مدیران و کارکنانش. سازمانی که مأموریت رابدی آن بازتشر گونه‌گون فساد در جهت تأمین منافع عاملان و آمران و کنشگران آن است. از مافیای سسدازی و انتقال آب تا قاچاق هرروزه‌ی ۳۰ میلیون لیتر بنزین. خبر حیرت‌آور دستگیری اَبَر قاچاقچی سوخت و آزاد شدن او در کم‌تر از یک ساعت با پرداخت یازده هزار میلیارد تومان (۱۱هَمت)، به گواهی رییس پلیس امنیت اقتصادی نفس هر شنونده‌ای را در سینه حبس می‌کند!

بازتشر ناخوشی‌ها هنر نیست، در عصر بمبارِمدان خبر و فرمان‌روایی شبکه‌های اجتماعی، در جهانی که برساته‌ی امپراتوری اینترنت و فناوری دیجیتال و به‌تازگی اعجوبه‌ای به نام هوش مصنوعی (AI) است، هنر و مهارت، تحلیل خبر و بازشناسی راست از دروغ است. تحلیل علمی که با شجاعت و شفقت آمیخته باشد و از دردورنج انسان‌های گوشت‌وخون‌داری که می‌آیند، رنج می‌برند و می‌روند بکاهد. این کاستن ممکن است مادی باشد یا معنوی که از راه افشای حقیقت رخ می‌دهد و در آن مصلحت به نفع حقیقت از میدان به در می‌شود؛ چه حقیقت تلخی که واقعیت را به ما می‌نماید بهتر از مصلحتِ شیرینی است که فریبمان می‌دهد.

از نادر خبرهای خوش یکی این‌که دیروز پیرمردی را دیدم که روی ماشینش نوشته بود: «صلواتی» و مهربانی را یکتنه در شهر تکتیر می‌کرد و عوض لمن کردن به تاریکی و غرزن‌های بی‌پایانِ رون‌فرسا، چراغ خود را می‌افروخت:

تو مگو همه به جنگ‌اند و ز صلح من چه آید/ تو یکی نئی هزاری، تو چراغ خود برافروز (دیوان شمس)

مولانا می‌گوید مسئولیت اخلاقی زیستن هرگز از دوش انسان ساقط نمی‌شود و انسان به‌راستی دشواری وظیفه است و نیز آن‌که تغییر را باید از خود شروع کرد و اول‌یار باید بر خود شورید. چنان‌که ویگنشتاین، فیلسوف پُرآوازهٔ اتریشی-انگلیسی (۱۸۸۹–۱۹۵۱) باور داشت: «انقلابی واقعی کسی است که علیه خود قیام کند»

عصیان علیه عواطف، باورها، انگاره‌ها و پیش‌فرض‌هایی که در عمیق‌ترین لایه‌های ناخودآگاه ما رسوب کرده و ما را به بند کشیده‌اند. آن‌گاه دیگر به انقلابات سیاسی حاجتی نیست و جامعه‌ی خودساخته به پشتوانه‌ی شهروندان مسئول که از چنگال تعصبات و توهمات خلاصی یافته‌اند، پای در مسیر تکامل تاریخی می‌نهد.

خبر

مدیر جدید انجمن
جامعه‌شناسی لرستان
منصوب شد



رییس انجمن جامعه‌شناسی ایران، با صدور حکمی امین روشن‌پور را به‌عنوان مدیر شعبه‌ی انجمن جامعه‌شناسی ایران در لرستان منصوب کرد. دکتر شیرین آمدنیا، در بخشی از این حکم با اشاره به تأیید صورت‌جلسه انتخابات سوم آذر ۱۴۰۴، اعضای اصلی هیئت‌مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران (شعبه لرستان) را به شرح زیر اعلام کرده است: فرهاد طهماسبی، علی رضاییان، مسعود زمانی‌مقدم و میثم هاشمی‌نیا. در حکم رییس انجمن جامعه‌شناسی ایران هم‌چنین از مدیر جدید شعبه‌ی لرستان خواسته شده ضمن هماهنگی با کمیته‌ی شب و دفتر انجمن، برنامه‌ی عملیاتی شعبه را ارائه و گزارش عملکرد سالانه را به انجمن مرکزی ارسال کند.

گزارش

هر هفته یک افتتاحیه تا پایان سال
وعده‌ی شهردار خرم‌آباد برای تحول شهری



بودجه‌ریزی، میزان و تأثیر مداخلات آن، فرهنگ شهر را شکل می‌دهد.» بارانی با اشاره به اهمیت ایجاد نشاط جمعی «وقتی زیرساخت لازم برای نشاط جمعی را فراهم نکنید، جامعه به صورت سیستماتیک نشاط فردی را جایگزین می‌کند و نشاط فردی خیلی خطرناک است.»

وی افزود: «این نشاط می‌تواند از مصرف مواد مخدر، مشروبات الکلی، داروهای روان‌گردان یا هیجانات کاذب ناشی از سرعت حاصل شود.»

شهردار خرم‌آباد با استناد به مصوبه‌ی نشست ۴۷ کمیته میراث جهانی یونسکو گفت: «کمیته‌ی فنی یونسکو معتقد است که لرستان یک سرزمین ناشناخته است که می‌تواند آینده تاریخی و تمدنی جهان را دچار تحول کند.» بارانی بیانروند از تحویل محوطه‌ی ۱۱ هکتاری حاشیه قلعه تاریخی فلک‌الافلاک

آگهی

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی شهرستان کوهدشت– سری (۲۵۶) جمعی

آراء صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان ها ی فاقد سند رسمی مسقر در واحد ثبتی کوهدشت تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان. لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند ، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: (۱۴۰۴/۰۹/۰۲) نوبت دوم: (۱۴۰۴/۰۹/۱۷)

۱-برابرتقاضای آقا/خانم (علی رضا نوروزی کوهدشت)فرزند (فرامرز) نسبت به (۶ دانگ از شش دانگ یک باب/قطعه مزروعی) به مساحت

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی شهرستان چگنی –سری (۵۹) جمعی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی خرم آباد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت

گزارش

گروه گزارش

با حمایت بزرگان فعالیت‌های خود را از سر گرفت.» مجتبی رومانی، افزود: «با پیگیری استاندار محترم و مسئولان، خانه‌ی چنگاهی به عنوان مکان مستقل بنیاد مصوب شورای برنامه‌ریزی استان شد و این هفته به آن‌جا مستقر می‌شویم. پس از ۲۷ سال دربه‌دری، بنیاد ایران‌شناسی لرستان سرانجام صاحب‌خانه می‌شود.» رومانی با اشاره به پروژه‌های پژوهشی گفت: «یکی از برنامه‌های اصلی ما تدوین دانش‌نامه‌ی جامع لرستان است که با حمایت استاندار در حال پیگیری است. هم‌چنین در صد هستمین پژوهش‌های کاربردی را در کنار پژوهش‌های بنیادی در حوزه‌ی لرستان‌شناسی توسعه دهیم.»

بر پایه‌ی این گزارش، در ادامه، باشندگان در این نشست که با هدف تلیق نشست‌های بنیاد ایران‌شناسی با مسائل فرهنگی و چالش‌های شهری برگزار شد، نظرات، پیشنهادها و راه‌کارهای خود را ارائه دادند. یکی از دغدغه‌های باشندگان این نشست، بحث در باره‌ی احداث کمربند غربی شهر خرم‌آباد بود که مبادا با درهم‌ریختن شبکه‌ی کارست بدون کار کارشناسی اقدام به احداث آن گردد و به چشمه‌های خرم‌آباد لطمه‌ی جدی وارد شود. توجه به تحقیق که باعث توسعه می‌شود، برگزاری شب‌های لرستان، لزوم داشتن یک تقویم رویدادهای فرهنگی– محلی برای شهر، ایجاد کانون روایت‌های شهری خرم‌آباد بر هدف گردآوری تجربه‌های مردم و … از دیگر موضوعاتی بود که در این نشست مورد توجه و گفت‌وگو قرار گرفت.

خبر داد و افزود: «هدف ایجاد فضایی باز، مردمی و بدون دیوارکشی است و احداث خانه فرهنگی، فضاهای گردشگری و محوطه‌های رویدادی در دستور کار قرار دارد.»

اهمیت گفتمان و شنیدن بارانی در پایان بر اهمیت گفتمان با نخبگان تأکید کرد: «خود شنیدن خیلی مهم است. مردم باید حس کنند که حاکمیت حرف‌شان را می‌شنود. موضوع گفتمان یک موضوع دوطرفه است که می‌تواند منتج به عمل و اقدام شود.»

بنیاد ایران‌شناسی از دربه‌دری تا خانه‌ی چنگاهی رییس بنیاد ایران‌شناسی شاخه‌ی لرستان نیز در این نشست، گفت: «بنیاد ایران‌شناسی در سال ۱۳۷۷ تأسیس شد و از سال ۱۴۰۲

از (۲۵) اصلی واقع در بخش (هفت) حوزه ثبت ملک کوهدشت لرستان خروجی از مالکیت اولیه آقا/خانم (علی عسگرمحمدپور) ۵– برابرتقاضای آقا/خانم (فاطمه مظفری)فرزند (حسن) نسبت به (۶ دانگ از شش دانگ یک باب/قطعه مزروعی) به مساحت (۲۴۹۲۷،۵۶) مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (۶) فرعی از (۲۵) اصلی واقع در بخش (هفت) حوزه ثبت ملک کوهدشت لرستان خروجی از مالکیت اولیه آقا/خانم (علی عسگرمحمدپور) ۶– برابرتقاضای آقا/خانم (بهمن مرادی قیطولی)فرزند (حسین) نسبت به (۶ دانگ از شش‌دانگ یک باب/قطعه مزروعی) به مساحت (۳۱۰۵،۴۹) مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (۶) فرعی از (۵۶) اصلی واقع در بخش (هفت) حوزه ثبت ملک کوهدشت لرستان خروجی از مالکیت اولیه آقا/خانم (علی مردان غضنفری) ۷– برابرتقاضای آقا/خانم (بهمن مرادی قیطولی)فرزند (حسین) نسبت به (۶ دانگ از شش‌دانگ یک باب/قطعه مزروعی) به مساحت (۶۳۴۹۵) مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (۶) فرعی از (۵۶) اصلی واقع در بخش (هفت) حوزه ثبت ملک کوهدشت لرستان خروجی از مالکیت اولیه آقا/خانم (علی مردان غضنفری) ۸– برابرتقاضای آقا/خانم (سعیدحسین پور

۴ – تقاضای «آقای عبدالرضا احمدی چگنی» فرزند «عزیز» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» به‌مساحت «۱۲۷۴۷،۲۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۸» فرعی از «۳۲» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «علی عباسی» ۵ – تقاضای «آقای عبدالرضا احمدی چگنی» فرزند «عزیز» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» به‌مساحت «۹۱۲۶۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۹» فرعی از «۳۲» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «علی عباسی» ۶– تقاضای «آقای عبدالرضا احمدی چگنی» فرزند «عزیز» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» به‌مساحت «۲۵۰۸۰،۲۹» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۳۳۱» فرعی از «۵» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سامان احمدی چگنی» ۷ – تقاضای «آقای عبدالرضا احمدی چگنی» فرزند «عزیز» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» به‌مساحت «۱۹۳۷۵،۵۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۲۰» فرعی از «۳۱» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از

مالکیت مالک اولیه «خود متقاضی» ۸ – تقاضای «آقای بهمن شاهی وند» فرزند «مهرعلی» نسبت به «شش‌دانگ یکباب ساختمان» به‌مساحت «۱۳۹۹،۶۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۴۵» فرعی از «۶۷» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ولی اله طرهانی» ۹ – تقاضای «آقای ناصر بهرامی» فرزند «علی حسین» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» به‌مساحت «۴۵۹۵،۱۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۴۲۰» فرعی از «۲۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خود متقاضی» ۱۰– تقاضای «آقای ناصر بهرامی» فرزند «علی حسین» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» به‌مساحت «۳۴۹۱۸،۴۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۴۲۱» فرعی از «۲۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خود متقاضی» / شناسه‌ی آگهی: ۲۰۵۲۳۹۸

فرهاد رومیانی
رییس اداری ثبت اسناد و املاک چگنی

یادداشت

شرافت سیاسی یک
نماینده‌ی لر



حمزه فیضی‌پور

گر به دولت برسی مست نگردی، مردی
گر به دلت برسی، پست نگردی، مردی
اهل عالم همه بازیچه دست هوس‌اند
گر تو بازیچه این دست نگردی، مردی
(چاچری)

در فرهنگ‌های لغت از جمله دهخدا و معین؛ شراف و شریف به معنای شرف، بزرگی، بزرگواری، بزرگ مقداری، مجده، رفعت، قدر، نجابت، اصالت، بزرگواری، بلندقدری، بزرگ مرتبگی و ارجمندی از حیث خاندان و نسب آمده‌است.

شرف را یک فضیلت اخلاقی می‌دانند که بر پابندی به اصول اخلاقی و ارزش‌های متعالی تأکید دارد. این صفت همان جوهره وجودی انسان‌هایی است که با تربیت درست و برخورداری از نگاه متعالی به نقش مثبت انسان موثر در جامعه، باورمندانه به‌عنوان عامل در ساختارها به کنشگری و کنش‌های عقلانی هم معطوف به هدف و هم معطوف به ارزش‌های می‌پردازند و در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، باورمندانه و عمل‌گرایانه با عشق به اصول اخلاقی و حرکت در مسیر مردم‌مدارانه و تأیید عقل اجتماعی از خود اثر ماندگار بجا، به‌جا می‌گذارند به قول میرفندرسکی:

هرچه عارض باشد آن را جوهری باید نخست
عقل بر این دعوی ما شاهدهی گویاستی
در روزهای اخیر در شبکه‌های اجتماعی فیلمی از یک مراسم ختم انتشار یافته که نشان می‌دهد سید روح‌الله موسوی، نماینده‌ی مردم لردگان، خاندان‌نوا را نینیاورده به‌گونه‌ای که مالک رستوران مرحوم سید امیرش بی‌اطلاع از این بوده که این‌ کارگر نوجوان، فرزند یک نماینده است! در خطرناکی سیاست بدون شرافت (قول

منسوب به گاندی) و پیوند قدرت با رانت و استفاده از مزایا، این اتفاق به این مناسبت که شرافت بر کارکرد هم‌افزایی سیاست، قدرت و رانت ترجیح داده شده است.

در هوای آلوده فتنه‌های مکر و ریا و نیز در فضای غبارآلود ظلم‌ها و ناحق‌ها و در شرایطی که در سیاست، سیاسی‌کاری و کسب قدرت و شهرت روال و جو غالب آویزان شدن به خس و خار و دست زدن به هر شیوه‌ی ناصواب است و مرد بودن و ماندن در دنیای سخت مردانگی به هنگام رسیدن به دولت و قدرت در این دوران کاری دشوار و سخت به نظر می‌رسد و نیز در میدان رانت اقتصادی– اجتماعی کورس رقابت برسر بیرون کشیدن گلیم خود از آب گرم کسی یا کسانی پیدا شوند و وجود داشته باشند که بی‌بهره از رانت و بام در مسیر وضعیت مشترک با عموم مردم دردمند عاصی از بی‌کاری، تبعیض، اختلاس، گرانی و مشکلات معیشتی قرار گیرند و همراهی نمایند و به وقت رسیدن به قدرت باز با همان منش و مرام برای مردم سوز دل داشته باشند و دلسوزی کنند باید بر وجود این کسان تامل نمود و آن‌ها را ستود.

در روزگار نبود هم‌افزایی قول و کردار در میان صاحبان قدرت و شهرت و فراگیری شعارهای بدون پشتوانه عملی که کثاثر از آن بدبینی‌ها افزایش یافته و تن رنجور سرمایه‌ی اجتماعی از بی اعتمادی ها و ناهنجاری‌های موجود آسیب

بسیار دیده است باید شرافت سیاسی این نماینده مردمی را ستود، تشویق نمود و برایش همایش گذاشت که این چنین به قول رودکی (گر بر سر نفس خود امیری، مردی…) بر «نفس خود امیر بون» را در سیمای مردن بودن خود نشان داده است تا دیگر هم قطارانش را بر این الگو بی‌دار کرد تا مسیر زیست خود را در قدرت با مردانگی و شرافت سیاسی این مرد لر باغیرت بسنجند و الگو بگیرند که این چنین با اصالت در شرف و شرافت سیاسی درخشیده و بر سوگند نمایندگیش وفادار مانده است. مرد با نجابت و متواضعی که بهتر و زیباتر خود مردم مومن بودن در امانتداری و مردمی بودن صادقانه، بدون ریا و بدون ششعل ایشان را در تاسی به قرآن کریم و کلام زیبای بزرگان شعر و شرافت در کردارش بسیار دیده است باید شرافت سیاسی این نماینده مردمی را ستود، تشویق نمود و برایش همایش گذاشت که این چنین به قول رودکی (گر بر سر نفس خود امیری، مردی…) بر «نفس خود امیر بون» را در سیمای مردن بودن خود نشان داده است تا دیگر هم قطارانش را بر این الگو بی‌دار کرد تا مسیر زیست خود را در قدرت با مردانگی و شرافت سیاسی این مرد لر باغیرت بسنجند و الگو بگیرند که این چنین با اصالت در شرف و شرافت سیاسی درخشیده و بر سوگند نمایندگیش وفادار مانده است. مرد با نجابت و متواضعی که بهتر و زیباتر خود مردم مومن بودن در امانتداری و مردمی بودن صادقانه، بدون ریا و بدون ششعل ایشان را در تاسی به قرآن کریم و کلام زیبای بزرگان شعر و شرافت در کردارش بسیار دیده است باید شرافت سیاسی این نماینده مردمی را ستود، تشویق نمود و برایش همایش گذاشت که این چنین به قول رودکی (گر بر سر نفس خود امیری، مردی…) بر «نفس خود امیر بون» را در سیمای مردن بودن خود نشان داده است تا دیگر هم قطارانش را بر این الگو بی‌دار کرد تا مسیر زیست خود را در قدرت با مردانگی و شرافت سیاسی این مرد لر باغیرت بسنجند و الگو بگیرند که این چنین با اصالت در شرف و شرافت سیاسی درخشیده و بر سوگند نمایندگیش وفادار مانده است. مرد با نجابت و متواضعی که بهتر و زیباتر خود مردم مومن بودن در امانتداری و مردمی بودن صادقانه، بدون ریا و بدون ششعل ایشان را در تاسی به قرآن کریم و کلام زیبای بزرگان شعر و شرافت در کردارش بسیار دیده است باید شرافت سیاسی این نماینده مردمی را ستود، تشویق نمود و برایش همایش گذاشت که این چنین به قول رودکی (گر بر سر نفس خود امیری، مردی…) بر «نفس خود امیر بون» را در سیمای مردن بودن خود نشان داده است تا دیگر هم قطارانش را بر این الگو بی‌دار کرد تا مسیر زیست خود را در قدرت با مردانگی و شرافت سیاسی این مرد لر باغیرت بسنجند و الگو بگیرند که این چنین با اصالت در شرف و شرافت سیاسی درخشیده و بر سوگند نمایندگیش وفادار مانده است. مرد با نجابت و متواضعی که بهتر و زیباتر خود مردم مومن بودن در امانتداری و مردمی بودن صادقانه، بدون ریا و بدون ششعل ایشان را در تاسی به قرآن کریم و کلام زیبای بزرگان شعر و شرافت در کردارش بسیار دیده است باید شرافت سیاسی این نماینده مردمی را ستود، تشویق نمود و برایش همایش گذاشت که این چنین به قول رودکی (گر بر سر نفس خود امیری، مردی…) بر «نفس خود امیر بون» را در سیمای مردن بودن خود نشان داده است تا دیگر هم قطارانش را بر این الگو بی‌دار کرد تا مسیر زیست خود را در قدرت با مردانگی و شرافت سیاسی این مرد لر باغیرت بسنجند و الگو بگیرند که این چنین با اصالت در شرف و شرافت سیاسی درخشیده و بر سوگند نمایندگیش وفادار مانده است. مرد با نجابت و متواضعی که بهتر و زیباتر خود مردم مومن بودن در امانتداری و مردمی بودن صادقانه، بدون ریا و بدون ششعل ایشان را در تاسی به قرآن کریم و کلام زیبای بزرگان شعر و شرافت در کردارش بسیار دیده است باید شرافت سیاسی این نماینده مردمی را ستود، تشویق نمود و برایش همایش گذاشت که این چنین به قول رودکی (گر بر سر نفس خود امیری، مردی…) بر «نفس خود امیر بون» را در سیمای مردن بودن خود نشان داده است تا دیگر هم قطارانش را بر این الگو بی‌دار کرد تا مسیر زیست خود را در قدرت با مردانگی و شرافت سیاسی این مرد لر باغیرت بسنجند و الگو بگیرند که این چنین با اصالت در شرف و شرافت سیاسی درخشیده و بر سوگند نمایندگیش وفادار مانده است. مرد با نجابت و متواضعی که بهتر و زیباتر خود مردم مومن بودن در امانتداری و مردمی بودن صادقانه، بدون ریا و بدون ششعل ایشان را در تاسی به قرآن کریم و کلام زیبای بزرگان شعر و شرافت در کردارش بسیار دیده است باید شرافت سیاسی این نماینده مردمی را ستود، تشویق نمود و برایش همایش گذاشت که این چنین به قول رودکی (گر بر سر نفس خود امیری، مردی…) بر «نفس خود امیر بون» را در سیمای مردن بودن خود نشان داده است تا دیگر هم قطارانش را بر این الگو بی‌دار کرد تا مسیر زیست خود را در قدرت با مردانگی و شرافت سیاسی این مرد لر باغیرت بسنجند و الگو بگیرند که این چنین با اصالت در شرف و شرافت سیاسی درخشیده و بر سوگند نمایندگیش وفادار مانده است. مرد با نجابت و متواضعی که بهتر و زیباتر خود مردم مومن بودن در امانتداری و مردمی بودن صادقانه، بدون ریا و بدون ششعل ایشان را در تاسی به قرآن کریم و کلام زیبای بزرگان شعر و شرافت در کردارش بسیار دیده است باید شرافت سیاسی این نماینده مردمی را ستود، تشویق نمود و برایش همایش گذاشت که این چنین به قول رودکی (گر بر سر نفس خود امیری، مردی…) بر «نفس خود امیر بون» را در سیمای مردن بودن خود نشان داده است تا دیگر هم قطارانش را بر این الگو بی‌دار کرد تا مسیر زیست خود را در قدرت با مردانگی و شرافت سیاسی این مرد لر باغیرت بسنجند و الگو بگیرند که این چنین با اصالت در شرف و شرافت سیاسی درخشیده و بر سوگند نمایندگیش وفادار مانده است. مرد با نجابت و متواضعی که بهتر و زیباتر خود مردم مومن بودن در امانتداری و مردمی بودن صادقانه، بدون ریا و بدون ششعل ایشان را در تاسی به قرآن کریم و کلام زیبای بزرگان شعر و شرافت در کردارش بسیار دیده است باید شرافت سیاسی این نماینده مردمی را ستود، تشویق نمود و برایش همایش گذاشت که این چنین به قول رودکی (گر بر سر نفس خود امیری، مردی…) بر «نفس خود امیر بون» را در سیمای مردن بودن خود نشان داده است تا دیگر هم قطارانش را بر این الگو بی‌دار کرد تا مسیر زیست خود را در قدرت با مردانگی و شرافت سیاسی این مرد لر باغیرت بسنجند و الگو بگیرند که این چنین با اصالت در شرف و شرافت سیاسی درخشیده و بر سوگند نمایندگیش وفادار مانده است. مرد با نجابت و متواضعی که بهتر و زیباتر خود مردم مومن بودن در امانتداری و مردمی بودن صادقانه، بدون ریا و بدون ششعل ایشان را در تاسی به قرآن کریم و کلام زیبای بزرگان شعر و شرافت در کردارش بسیار دیده است باید شرافت سیاسی این نماینده مردمی را ستود، تشویق نمود و برایش همایش گذاشت که این چنین به قول رودکی (گر بر سر نفس خود امیری، مردی…) بر «نفس خود امیر بون» را در سیمای مردن بودن خود نشان داده است تا دیگر هم قطارانش را بر این الگو بی‌دار کرد تا مسیر زیست خود را در قدرت با مردانگی و شرافت سیاسی این مرد لر باغیرت بسنجند و الگو بگیرند که این چنین با اصالت در شرف و شرافت سیاسی درخشیده و بر سوگند نمایندگیش وفادار مانده است. مرد با نجابت و متواضعی که بهتر و زیباتر خود مردم مومن بودن در امانتداری و مردمی بودن صادقانه، بدون ریا و بدون ششعل ایشان را در تاسی به قرآن کریم و کلام زیبای بزرگان شعر و شرافت در کردارش بسیار دیده است باید شرافت سیاسی این نماینده مردمی را ستود، تشویق نمود و برایش همایش گذاشت که این چنین به قول رودکی (گر بر سر نفس خود امیری، مردی…) بر «نفس خود امیر بون» را در سیمای مردن بودن خود نشان داده است تا دیگر هم قطارانش را بر این الگو بی‌دار کرد تا مسیر زیست خود را در قدرت با مردانگی و شرافت سیاسی این مرد لر باغیرت بسنجند و الگو بگیرند که این چنین با اصالت در شرف و شرافت سیاسی درخشیده و بر سوگند نمایندگیش وفادار مانده است. مرد با نجابت و متواضعی که بهتر و زیباتر خود مردم مومن بودن در امانتداری و مردمی بودن صادقانه، بدون ریا و بدون ششعل ایشان را در تاسی به قرآن کریم و کلام زیبای بزرگان شعر و شرافت در کردارش بسیار دیده است باید شرافت سیاسی این نماینده مردمی را ستود، تشویق نمود و برایش همایش گذاشت که این چنین به قول رودکی (گر بر سر نفس خود امیری، مردی…) بر «نفس خود امیر بون» را در سیمای مردن بودن خود نشان داده است تا دیگر هم قطارانش را بر این الگو بی‌دار کرد تا مسیر زیست خود را در قدرت با مردانگی و شرافت سیاسی این مرد لر باغیرت بسنجند و الگو بگیرند که این چنین با اصالت در شرف و شرافت سیاسی درخشیده و بر سوگند نمایندگیش وفادار مانده است. مرد با نجابت و متواضعی که بهتر و زیباتر خود مردم مومن بودن در امانتداری و مردمی بودن صادقانه، بدون ریا و بدون ششعل ایشان را در تاسی به قرآن کریم و کلام زیبای بزرگان شعر و شرافت در کردارش بسیار دیده است باید شرافت سیاسی این نماینده مردمی را ستود، تشویق نمود و برایش همایش گذاشت که این چنین به قول رودکی (گر بر سر نفس خود امیری، مردی…) بر «نفس خود امیر بون» را در سیمای مردن بودن خود نشان داده است تا دیگر هم قطارانش را بر این الگو بی‌دار کرد تا مسیر زیست خود را در قدرت با مردانگی و شرافت سیاسی این مرد لر باغیرت بسنجند و الگو بگیرند که این چنین با اصالت در شرف و شرافت سیاسی درخشیده و بر سوگند نمایندگیش وفادار مانده است. مرد با نجابت و متواضعی که بهتر و زیباتر خود مردم مومن بودن در امانتداری و مردمی بودن صادقانه، بدون ریا و بدون ششعل ایشان را در تاسی به قرآن کریم و کلام زیبای بزرگان شعر و شرافت در کردارش بسیار دیده است باید شرافت سیاسی این نماینده مردمی را ستود، تشویق نمود و برایش همایش گذاشت که این چنین به قول رودکی (گر بر سر نفس خود امیری، مردی…) بر «نفس خود امیر بون» را در سیمای مردن بودن خود نشان داده است تا دیگر هم قطارانش را بر این الگو بی‌دار کرد تا مسیر زیست خود را در قدرت با مردانگی و شرافت سیاسی این مرد لر باغیرت بسنجند و الگو بگیرند که این چنین با اصالت در شرف و شرافت سیاسی درخشیده و بر سوگند نمایندگیش وفادار مانده است. مرد با نجابت و متواضعی که بهتر و زیباتر خود مردم مومن بودن در امانتداری و مردمی بودن صادقانه، بدون ریا و بدون ششعل ایشان را در تاسی به قرآن کریم و کلام زیبای بزرگان شعر و شرافت در کردارش بسیار دیده است باید شرافت سیاسی این نماینده مردمی را ستود، تشویق نمود و برایش همایش گذاشت که این چنین به قول رودکی (گر بر سر نفس خود امیری، مردی…) بر «نفس خود امیر بون» را در سیمای مردن بودن خود نشان داده است تا دیگر هم قطارانش را بر این الگو بی‌دار کرد تا مسیر زیست خود را در قدرت با مردانگی و شرافت سیاسی این مرد لر باغیرت بسنجند و الگو بگیرند که این چنین با اصالت در شرف و شرافت سیاسی درخشیده و بر سوگند نمایندگیش وفادار مانده است. مرد با نجابت و متواضعی که بهتر و زیباتر خود مردم مومن بودن در امانتداری و مردمی بودن صادقانه، بدون ریا و بدون ششعل ایشان را در تاسی به قرآن کریم و کلام زیبای بزرگان شعر و شرافت در کردارش بسیار دیده است باید شرافت سیاسی این نماینده مردمی را ستود، تشویق نمود و برایش همایش گذاشت که این چنین به قول رودکی (گر بر سر نفس خود امیری، مردی…) بر «نفس خود امیر بون» را در سیمای مردن بودن خود نشان داده است تا دیگر هم قطارانش را بر این الگو بی‌دار کرد تا مسیر زیست خود را در قدرت با مردانگی و شرافت سیاسی این مرد لر باغیرت بسنجند و الگو بگیرند که این چنین با اصالت در شرف و شرافت سیاسی درخشیده و بر سوگند نمایندگیش وفادار مانده است. مرد با نجابت و متواضعی که بهتر و زیباتر خود مردم مومن بودن در امانتداری و مردمی بودن صادقانه، بدون ریا و بدون ششعل ایشان را در تاسی به قرآن کریم و کلام زیبای بزرگان شعر و شرافت در کردارش بسیار دیده است باید شرافت سیاسی این نماینده مردمی را ستود، تشویق نمود و برایش همایش گذاشت که این چنین به قول رودکی (گر بر سر نفس خود امیری، مردی…) بر «نفس خود امیر بون» را در سیمای مردن بودن خود نشان داده است تا دیگر هم قطارانش را بر این الگو بی‌دار کرد تا مسیر زیست خود را در قدرت با مردانگی و شرافت سیاسی این مرد لر باغیرت بسنجند و الگو بگیرند که این چنین با اصالت در شرف و شرافت سیاسی درخشیده و بر سوگند نمایندگیش وفادار مانده است. مرد با نجابت و متواضعی که بهتر و زیباتر خود مردم مومن بودن در امانتداری و مردمی بودن صادقانه، بدون ریا و بدون ششعل ایشان را در تاسی به قرآن کریم و کلام زیبای بزرگان شعر و شرافت در کردارش بسیار دیده است باید شرافت سیاسی این نماینده مردمی را ستود، تشویق نمود و برایش همایش گذاشت که این چنین به قول رودکی (گر بر سر نفس خود امیری، مردی…) بر «نفس خود امیر بون» را در سیمای مردن بودن خود نشان داده است تا دیگر هم قطارانش را بر این الگو بی‌دار کرد تا مسیر زیست خود را در قدرت با مردانگی و شرافت سیاسی این مرد لر باغیرت بسنجند و الگو بگیرند که این چنین با اصالت در شرف و شرافت سیاسی درخشیده و بر سوگند نمایندگیش وفادار مانده است. مرد با نجابت و متواضعی که بهتر و زیباتر خود مردم مومن بودن در امانتداری و مردمی بودن صادقانه، بدون ریا و بدون ششعل ایشان را در تاسی به قرآن کریم و کلام زیبای بزرگان شعر و شرافت در کردارش بسیار دیده است باید شرافت سیاسی این نماینده مردمی را ستود، تشویق نمود و برایش همایش گذاشت که این چنین به قول رودکی (گر بر سر نفس خود امیری، مردی…) بر «نفس خود امیر بون» را در سیمای مردن بودن خود نشان داده است تا دیگر هم قطارانش را بر این الگو بی‌دار کرد تا مسیر زیست خود را در قدرت با مردانگی و شرافت سیاسی این مرد لر باغیرت بسنجند و الگو بگیرند که این چنین با اصالت در شرف و شرافت سیاسی درخشیده و بر سوگند نمایندگیش وفادار مانده است. مرد با نجابت و متواضعی که بهتر و زیباتر خود مردم مومن بودن در امانتداری و مردمی بودن صادقانه، بدون ریا و بدون ششعل ایشان را در تاسی به قرآن کریم و کلام زیبای بزرگان شعر و شرافت در کردارش بسیار دیده است باید شرافت سیاسی این نماینده مردمی را ستود، تشویق نمود و برایش همایش گذاشت که این چنین به قول رودکی (گر بر سر نفس خود امیری، مردی…) بر «نفس خود امیر بون» را در سیمای مردن بودن خود نشان داده است تا دیگر هم قطارانش را بر این الگو بی‌دار کرد تا مسیر زیست خود را در قدرت با مردانگی و شرافت سیاسی این مرد لر باغیرت بسنجند و الگو بگیرند که این چنین با اصالت در شرف و شرافت سیاسی درخشیده و بر سوگند نمایندگیش وفادار مانده است. مرد با نجابت و متواضعی که بهتر و زیباتر خود مردم مومن بودن در امانتداری و مردمی بودن صادقانه، بدون ریا و بدون ششعل ایشان را در تاسی به قرآن کریم و کلام زیبای بزرگان شعر و شرافت در کردارش بسیار دیده است باید شرافت سیاسی این نماینده مردمی را ستود، تشویق نمود و برایش همایش گذاشت که این چنین به قول رودکی (گر بر سر نفس خود امیری، مردی…) بر «نفس خود امیر بون» را در سیمای مردن بودن خود نشان داده است تا دیگر هم قطارانش را بر این الگو بی‌دار کرد تا مسیر زیست خود را در قدرت با مردانگی و شرافت سیاسی این مرد لر باغیرت بسنجند و الگو بگیرند که این چنین با اصالت در شرف و شرافت سیاسی درخشیده و بر سوگند نمایندگیش وفادار مانده است. مرد با نجابت و متواضعی که بهتر و زیباتر خود مردم مومن بودن در امانتداری و مردمی بودن صادقانه، بدون ریا و بدون ششعل ایشان را در تاسی به قرآن کریم و کلام زیبای بزرگان شعر و شرافت در کردارش بسیار دیده است باید شرافت سیاسی این نماینده مردمی را ستود، تشویق نمود و برایش همایش گذاشت که این چنین به قول رودکی (گر بر سر نفس خود امیری، مردی…) بر «نفس خود امیر بون» را در سیمای مردن بودن خود نشان داده است تا دیگر هم قطارانش را بر این الگو بی‌دار کرد تا مسیر زیست خود را در قدرت با مردانگی و شرافت سیاسی این مرد لر باغیرت بسنجند و الگو بگیرند که این چنین با اصالت در شرف و شرافت سیاسی درخشیده و بر سوگند نمایندگیش وفادار مانده است. مرد با نجابت و متواضعی که بهتر و زیباتر خود مردم مومن بودن در امانتداری و مردمی بودن صادقانه، بدون ریا و بدون ششعل ایشان را در تاسی به قرآن کریم و کلام زیبای بزرگان شعر و شرافت در کردارش بسیار دیده است باید شرافت سیاسی این نماینده مردمی را ستود، تشویق نمود و برایش همایش گذاشت که این چنین به قول رودکی (گر بر سر نفس خود امیری، مردی…) بر «نفس خود امیر بون» را در سیمای مردن بودن خود نشان داده است تا دیگر هم قطارانش را بر این الگو بی‌دار کرد تا مسیر زیست خود را در قدرت با مردانگی و شرافت سیاسی این مرد لر باغیرت بسنجند و الگو بگیرند که این چنین با اصالت در شرف و شرافت سیاسی درخشیده و بر سوگند نمایندگیش وفادار مانده است. مرد با نجابت و متواضعی که بهتر و زیباتر خود مردم مومن بودن در امانتداری و مردمی بودن صادقانه، بدون ریا و بدون ششعل ایشان را در تاسی به قرآن کریم و کلام زیبای بزرگان شعر و شرافت در کردارش بسیار دیده است باید شرافت سیاسی این نماینده مردمی را ستود، تشویق نمود و برایش همایش گذاشت که این چنین به قول رودکی (گر بر سر نفس خود امیری، مردی…) بر «نفس خود امیر بون» را در سیمای مردن بودن خود نشان داده است تا دیگر هم قطارانش را بر این الگو بی‌دار کرد تا مسیر زیست خود را در قدرت با مردانگی و شرافت سیاسی این مرد لر باغیرت بسنجند و الگو بگیرند که این چنین با اصالت در شرف و شرافت سیاسی درخشیده و بر سوگند نمایندگیش وفادار مانده است. مرد با نجابت و متواضعی که بهتر و زیباتر خود مردم مومن بودن در امانتداری و مردمی بودن صادقانه، بدون ریا و بدون ششعل ایشان را در تاسی به قرآن کریم و کلام زیبای بزرگان شعر و شرافت در کردارش بسیار دیده است باید شرافت سیاسی این نماینده مردمی را ستود، تشویق نمود و برایش همایش گذاشت که این چنین به قول رودکی (گر بر سر نفس خود امیری، مردی…) بر «نفس خود امیر بون» را در سیمای مردن بودن خود نشان داده است تا دیگر هم قطارانش را بر این الگو بی‌دار کرد تا مسیر زیست خود را در قدرت با مردانگی و شرافت سیاسی این مرد لر باغیرت بسنجند و الگو بگیرند که این چنین با اصالت در شرف و شرافت سیاسی درخشیده و بر سوگند نمایندگیش وفادار مانده است. مرد با نجابت و متواضعی که بهتر و زیباتر خود مردم مومن بودن در امانتداری و مردم